

**تخفیف بی سابقه  
در پروازهای  
کابل - اسلام آباد - کابل**

دفتر مرکزی: سرک عمومی کلوه پشته  
+93 796 800 002  
+93 796 600 002  
info@piaafg.com

روزهای پرواز  
شنبه، یکشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه

Flight Schedule  
Sat, Sun, Tue, Wed, Thu

PAKISTAN  
International Airlines  
Great People to Fly With



**Azizi Bank**  
**Master Card**

عزیزی بانک  
Azizi Bank

f in t y www.azizibank.af 1515

یادداشت روز ..... صفحه ۲

**نشست‌های نمایشی  
برای بروکسل**

نشست ویژه‌ی بورد مشترک نظارت و اسنجام دیروز با حضور رئیس حکومت وحدت ملی، مقامات بلندپایه‌ی حکومت افغانستان، نمایندگان کشورهای کمک‌کننده و مؤسسات خارجی جهت آمادگی برای نشست بروکسل در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شد. قرار است تا یک ماه دیگر نشست بروکسل برگزار شود که در آن حکومت افغانستان ضمن ارائه‌ی گزارش از تعهدات خود به جامعه‌ی جهانی خواهان کمک از سوی جامعه‌ی جهانی به افغانستان شود. محمد اشرف غنی در نشست ویژه‌ی دیروز گفت در نشست بروکسل از دست‌آوردهای حکومت...

صفحه ۲



**پیشکش حج از افغان بیسیم**

تماس به عربستان سعودی

**9.99**

افغانی فی دقیقه

برای اشتراک: #1\*8\*888 را دایل نمایید

**تخفیف رومینگ در جریان حج**

- تماس به افغانستان 35 افغانی فی دقیقه
- دریافت تماس 15 افغانی فی دقیقه
- ارسال پیام 10 افغانی
- دریافت پیام رایگان

افغان بیسیم  
AFGHAN WIRELESS

ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan

HD VOICE

www.afghan-wireless.com

152



<b>دوشنبه</b>	
<b>۱۵ سنبله</b>	
<b>۱۳۹۵</b>	
<b>سال پنجم</b>	
<b>شماره ۱۱۴۲</b>	
<span></span>	



## یادداشت روز

## نشست‌های نمایشی برای بروکسل

نشست ویژه‌ی **بورד مشترک نظارت** و اسنجام **دیروز** با حضور **رییس حکومت وحدت ملی**، مقامات بلندپایه‌ی حکومت افغانستان، نمایندگان کشورهای کمک‌کننده و مؤسسات خارجی جهت آمادگی برای نشست بروکسل در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شد. قرار است تا یک ماه دیگر نشست بروکسل برگزار شود که در آن حکومت افغانستان ضمن ارائه‌ی گزارش از تعهدات خود به جامعه‌ی جهانی خواهان کمک از سوی جامعه‌ی جهانی به افغانستان شود. محمد اشرف غنی در نشست ویژه‌ی دیروز گفت در نشست بروکسل از دست‌آوردهای حکومت به جامعه‌ی جهانی گزارش خواهیم داد. بالا بردن درآمد داخلی، محو خشونت علیه زنان، تقویت سکتور خصوصی و مبارزه با فساد و اصلاحات از جمله مواردی‌اند که حکومت تعهد عملی کردن آن‌ها را به جامعه‌ی جهانی سپرده است.

مساله این است آیا حکومت به تعهدات خود عمل کرده است؟ حکومت در نشست بروکسل از کدام دست‌آوردها سخن خواهد گفت؟ اشرف غنی در سخنرانی دیروز گفت به مردم تعهد نمودیم تا فساد اداری را که ارزش‌های معنوی ما را با خطر مواجه ساخته، محو کنیم و ما برای مردم وعده داده بودیم که به نسل بعدی زمین‌هی کار و تحصیل را مساعد نموده و امنیت و ثبات را تأمین می‌نماییم. اینک، به چه میزان از این تعهدات جامعه‌ی عمل پوشیده است؟ به‌عبارت روشن‌تر؛ آیا فساد اداری کاهش یافته است؟ آیا زمین‌هی کار و تحصیل فراهم و ثبات تأمین شده و خشونت علیه زنان کم‌تر شده است؟ در خصوص اصلاحات چه می‌توانیم گفت؟ بنابر گزارش‌های رسمی، ۶۰ درصد مردم کشور بی‌سواداند، آقای غنی دیروز در سخنرانی خود گفت ۳۹ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و هنوز زمین‌هی زندگی مساعد برای مردم فراهم نشده است. در امر فساد، افغانستان صدرنشین کشورهای فساد جهان است. دولت حاکمیت ۶۵ درصدی دارد و ۳۵ درصد اراضی کشور عملاً به‌دست طالبان است، و جنگ هر روز در حال فراگیر شدن است. در زمین‌هی ثبات سیاسی، افغانستان اکنون در بدترین حالت ممکن قرار دارد. تنش‌ها میان سران حکومت هنوز پابرجاست و مقامات ارشد حکومت از مدیریت و رهبری کشور به‌صورت بی‌سابقه‌یی ناراضی هستند. میزان رضایت‌مندی شهروندان از حکومت نیز روشن است که در چه حالت قرار دارد. در یک نگاه واقع‌بینانه، به‌روشنی می‌بینیم که حکومت دست‌آوردی در خصوص عملی شدن تعهدات خود چه به مردم یا به تمویل‌کنندگان ندارد. در حوزه‌ی مبارزه علیه فساد جز تشکیل مرکز عدلی و قضایی و تأسیس شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه با فساد، هیچ گام عملی‌یی برداشته نشده و هیچ‌یک از پرونده‌های عاملان فساد گشوده نشده است. اصلاحات انتخاباتی که جزء مهمی از این روند به‌شمار می‌رود هنوز در مراحل نخست خود قرار دارد و به‌دلیل اختلاف‌ها در این مورد به‌نظر می‌رسد که حتا توافق حداقلی هم میان سران حکومت مبنی بر این‌که اصلاحات چگونه و با چه مکانیزمی باید اجرا شود حاصل نشده است. مواد موافقت‌نامه‌ی سیاسی که حاوی فهرستی از اصلاحات است نه‌تنها اجرا نشده است بلکه کمیته‌ی مشترک از سوی ارگ و سپیدار به‌تازگی شکل گرفته تا میان اختلاف‌ها و تفاوت‌نظرهای غنی و عبدالله پل بزند.

با چنین کارنامه‌یی، آیا انتظار می‌رود که جامعه‌ی جهانی به دولت افغانستان تعهد مجدد بسپارد؟ نشست‌های مهم جهانی که در مورد افغانستان تاکنون دایر شده است هیچ‌گاهی مبتنی بر واقعیت نبوده و تمویل‌کنندگان بدون آن‌که دست‌آوردهای حکومت افغانستان را در نظر بگیرند از سر ناگزیری به آن کمک کرده و هزینه پرداخته‌اند. بنابراین جامعه‌ی جهانی همیشه به درخواست‌های دولت افغانستان پاسخ مثبت داده است و در نشست بروکسل نیز این امیدواری وجود دارد که تمویل‌کنندگان به تقاضای حکومت توجه کنند. از آن‌جایی که جامعه‌ی جهانی از پیش شرط‌هایی که برای تداوم کمک‌هایش به افغانستان مطرح کرده چشم‌پوشی می‌کند و نظارت لازم را انجام نمی‌دهد، دولت افغانستان هم الزامی نمی‌بیند تا برای عملی شدن آن گام‌های جدی بردارد. نشست‌هایی چون نشست دیروز ارگ ریاست‌جمهوری که برای بروکسل دایر می‌شود، بیش از آن‌که طبقه‌بندی و تهیه‌ی گزارش از عملی شدن تعهدات حکومت به جامعه‌ی جهانی باشد، فرصتی برای تمرین سخنرانی برای سران حکومت در نشست بروکسل است.

**اطلاعات روز:** رییس‌جمهور در افتتاحیه‌ی نشست ویژه‌ی **بورد مشترک نظارت** و انسجام گفت که در نشست بروکسل حکومت از دست‌آوردهایش در زمین‌هی کنترل فساد و تطبیق اصلاحات با جامعه‌ی جهانی سخن خواهد گفت.

نشست ویژه‌ی **بورد مشترک نظارت** و اسنجام صبح دیروز (یک‌شنبه، ۱۴ سنبله) با حضور رییس‌جمهور غنی، مقامات بلندپایه‌ی حکومت افغانستان، نمایندگان کشورهای کمک‌کننده و مؤسسات خارجی جهت آمادگی برای نشست بروکسل در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شد.

رییس‌جمهور غنی ضمن تأکید مبارزه در برابر فساد گفت: «هدف ما کنترل فساد است، اکنون در ادارات تسلسل ایجادشده و روی تطبیق اصلاحات کار به‌شدت جریان دارد، و نیز ما در نشست بروکسل دست‌آوردهای حکومت را در این زمینه به جامعه‌ی جهانی ارایه خواهیم کرد.»

آقای غنی افزود به مردم تعهد نمودیم تا فساد اداری

## رییس‌جمهور: در نشست بروکسل از دست آوردها به جامعه‌ی جهانی می‌گوییم

را که ارزش‌های معنوی ما را به خطر مواجه ساخته، محو کنیم.

غنی گفت: «ما برای مردم وعده داده بودیم که به نسل بعدی زمین‌هی کار و تحصیل را مساعد نموده و امنیت و ثبات را تأمین می‌نماییم.»

او یادآورد شد که در افغانستان ۳۹ فیصد مردم پایین‌تر از خط فقر جهانی زندگی می‌کنند و هنوز زمین‌هی مساعد زندگی برای مردم وجود ندارد. یک میلیون بیجاشده‌ی داخلی وجود دارد که داشته‌های‌شان به‌اثر عوامل گوناگون همانند، جنگ، حوادث طبیعی و منازعه از بین رفته و آن‌ها عواید نیز ندارند.

رییس‌جمهور بر مبارزه‌ی جدی علیه تروریسم تأکید کرد و گفت تروریسم نباید بهانه و مانع آوردن اصلاحات گردد. او خاطرنشان کرد که ثبات، اصلاحات و حاکمیت قانون برای ما اصل است و اصلاحات در سکتور عدلی و قضایی یکی از اولویت‌های حکومت است.

آقای غنی با اشاره به سرمایه‌گذاری‌ها گفت که سکتور

## ۳۴ نفر در یک حادثه‌ی ترافیکی

## در شاهراه کابل – قندهار جان باختند

سپس هردو وسیله‌ی نقلیه آتش گرفته است. غلام جیلانی فراهی، مسئول امنیت فرماندهی پولیس ولایت زابل در صحبت با رسانه‌ها تلفات این رویداد را ۳۴ کشته و ۲۱ زخمی گفته است. اما بسم‌الله افغان‌مل، والی زابل گفته که در این رویداد ۳۶ تن جان باخته و ۲۸ تن دیگر زخمی شده‌اند.

مقام‌ها می‌گویند زخمی‌های این رویداد به شفاخانه‌های ولایت قندهار و زابل منتقل شده‌اند.

گفته می‌شود که در میان زخمی‌ها زنان و کودکان نیز

## نارضایتی عبدالله عبدالله از نارسایی عملکردها

## در عرصه‌ی محو بی‌سوادی

شده، اکنون محو بی‌سوادی تنها مسئولیت حکومت نیست بلکه نیاز است این مسأله به یک روند ملی و عمومی تبدیل شود. او گفت در این روند باید هر فرد مبارزه با بی‌سوادی را از خانواده به روستا و جامعه گسترش دهد. آقای عبدالله افزود تا زمانی‌که جامعه‌ی ما از نعمت سواد محروم بماند، ما هرگز به آرمان‌های ملی خود دست نمی‌یابیم، چون فراگیری سواد پیش‌زمینه‌ی صلح، آشتی و همدیگرپذیری پنداشته می‌شود. او افزود حکومت با همکاری جامعه‌ی جهانی، سازمان بین‌المللی یونسکو و مردم افغانستان از تمام امکانات موجود برای کاهش بی‌سوادی استفاده

**اطلاعات روز:** عبدالله عبدالله، رییس اجراییه‌ی حکومت با ابراز نارضایتی از نارسایی عملکردها و کارهای انجام شده در عرصه‌ی محو بی‌سوادی می‌گوید که ما در موقعیتی نیستیم که راضی باشیم و یا مسئولیت خود را انجام داده باشیم، باید کارهای جدی‌تری برای محو بی‌سوادی انجام شود. براساس آمارهای داده شده، هم‌اکنون در افغانستان بیش از ۱۰ میلیون نفر بی‌سواداند.

آقای عبدالله روز گذشته در برنامه‌ی گرامی‌داشت از روز جهانی سواد و هفته‌ی مبارزه با بی‌سوادی در افغانستان گفت باوجود کارهایی که در جریان ۱۵ سال گذشته در عرصه‌ی محو بی‌سوادی انجام

خصوصی در بخش‌های مختلف کارکرده و تاجران و سرمایه‌گذاران ما در ابعاد گوناگون سرمایه‌گذاری کردند و حکومت از این حیث با کشورهای منطقه ارتباطات خوبی را تأمین کرده‌است.

او افزود که پروژه‌های بزرگ اقتصادی در کشور افتتاح شده و به‌زودی پروژه‌های دیگر اقتصادی نیز افتتاح و به بهره‌برداری خواهد رسید.

رییس‌جمهور به مردم کشور اطمینان داد که افغانستان به صلح، ثبات و آینده‌ی درخشان خواهد رسید.

از سوی هم آقای غنی گفت: «بدبختانه ما اقتصاد فاسد را به‌میراث گرفتیم، اما با آن هم می‌خواهیم زندگی مردم فقیر خود را تغییر دهیم. او تأکید کرد که من می‌خواهم دولتی را به‌نسل آینده به‌میراث بگذارم که کارهای مهم آن انجام شده باشد.»

به گفته‌ی او، حکومت وحدت ملی میراث‌دار دولتی است که هماهنگی و انسجام در آن وجود نداشت.

نشست بروکسل که قرار است تا یک ماه دیگر برگزار شود، در آن نمایندگان ۷۰ کشور و ۳۰ نهاد جهانی شرکت خواهند کرد و از جانب افغانستان رییس‌جمهور و رییس اجراییه در این کنفرانس شرکت خواهند کرد.

قرار است رهبران حکومت وحدت ملی در این نشست گزارشی از چگونگی تطبیق برنامه‌های اصلاحی وعده داده‌شده‌ی‌شان را ارایه کنند تا کشورهای کمک‌کننده کمک‌های‌شان را در بخش ملکی به افغانستان ادامه دهند.

<span><span>«</span><span></span><span>»</span></span>
--

دیده می‌شوند. شمار تلفات این رویداد به‌دلیل آتش گرفتن بس و گیر ماندن مسافران در داخل بس بالا رفته است.

آمار تلفات ناشی از حادثات ترافیکی در افغانستان بسیار بالا است. به تاریخ ۱۹ ثور امسال در تصادم دو بس مسافرنبری با یک تانکر تیل در مسیر شاهراه کابل– قندهار در ولایت غزنی ۷۳ نفر جان باختند.

بی‌توجهی راننده‌ها به قوانین راهنمایی و رانندگی، خرابی سرک‌ها، سرعت بیش از حد موترها و نبود علائم ترافیکی از علت‌های اصلی رویدادهای ترافیک در افغانستان می‌باشد و همه روزه از شهروندان کشور قربانی می‌گیرد.

مسئولان راهنمای و رانندگی می‌گویند که در یک سال گذشته‌ی خورشیدی بیش از ۳۷۰۰ تصادف جاده‌یی رخ داده است. در این تصادف‌ها ۱۶۲۰ نفر کشته و بیش از ۴۵۰۰ تن زخمی شده‌اند.

<span><span>«</span><span></span><span>»</span></span>
--

می‌کند. دنیلو پدایلا رییس آموزش و پرورش سازمان بین‌المللی یونسکو در افغانستان گفت باوجود کارهای انجام شده در عرصه‌ی محو بی‌سواد هنوز هم آمار بی‌سوادی در میان زنان ۸۰ درصد، در ولایات اطراف ۹۰ درصد و در میان مردها ۶۳ درصد ارزیابی شده است که این رقم بسیار بالا است. آقای پدایلا تأکید کرد این سازمان به همکاری‌های خود در امر مبارزه با بی‌سوادی در افغانستان ادامه می‌دهد.

سازمان یونسکو نیز انتقاد دارد که در عرصه‌ی سوادآموزی و محو بی‌سوادی در افغانستان بیشتر از بخش دیگر کم‌توجهی می‌شود.

باوجود کارهای انجام شده و کمک‌های دریافت شده برای سوادآموزی در ۱۵ سال گذشته اکنون اسدالله حنیف بلخی وزیر معارف می‌گوید که بیش از ۱۰ میلیون نفر که حدود ۶۰ تا ۶۱ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بی‌سواداند.

<span><span>«</span><span></span><span>»</span></span>
--

شرکت، وزارت محترم مالیه فیصله نمود تا فعالیت شرکت هوایی صافی به تعلیق درآمد و بر اساس مواد ۲۲ قانون متوقف نمودن فعالیت، ماده‌ی ۲۳ قانون ممنوع‌الخروج مسئولین و ماده‌ی ۲۴ قانون اداره‌ی امور مالیات، اداره‌ی مالیات می‌تواند مصادره و فروش دارایی‌های شرکت صافی را از محکمه تقاضا نماید.»

اداره‌ی هوانوردی ملکی قبلاً از شرکت هوایی صافی خواسته بوده «تا در صورتی که امکان تصفیه‌ی مقروضیت‌های متذکره در ملت معینه وجود نداشته باشد، از فروش و پیش فروش تکت خودداری نماید.

اکنون نیز این اداره در خبرنامه‌اش نوشته است که شرکت صافی مکلف است «تا طبق مکاتیب قبلی و فیصله‌ی فوق در حصه‌ی حل مشکلات مسافرن (در صورت فروش تکت بعد از ابلاغ تصمیم وزارت محترم مالیه) اقدام نموده و رفع مسئولیت نماید.»

شرکت هوایی صافی یک شرکت هواپیمایی بین‌المللی–افغانی است که در سال ۱۳۸۴ خورشیدی تاسیس شد. این شرکت دارای ۶ هواپیمای مسافربری و بازرری است.



## خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

### سوالات یک جوابه

تابه حال سوال‌های چهارجوابه، سه‌جوابه و در نهایت دوجوابه رواج داشته. برای همین وقتی کسی مقابل این سوال‌ها قرار می‌گرفت از دو حالت خارج نبود. یا جواب سوال را می‌دانست یا نمی‌دانست. اگر می‌دانست، گزینه‌ی درست را انتخاب می‌کرد و اگر نمی‌دانست، میان چهار گزینه یا سه گزینه یا دو گزینه مردد می‌شد و در نهایت با توکل به خداوند عظیم‌الشان یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کرد.

هرچند که سوال معمولاً برای محک‌زدن فهم و دانش آدم‌هاست، اما چه اشکالی دارد از این به بعد سوالاتی داشته باشیم که به جای محک‌زدن فهم، آدم را بفهماند؟ می‌دانم چیزی مسخره‌ی است، اما از قدیم گفته که «در مسخره‌ها بسی تعلیم جاریست». برای این که بتوانیم هم از کسی سوال کنیم و هم در جا او را فهمانده باشیم، می‌توانیم سوالات یک‌جوابه را طرح‌ریزی کنیم. مثلاً به سوالات زیر و جواب‌هایش توجه کنید:

سوال: کدام یکی از رییس‌جمهورهای دنیا با خلق بحران به آرامش می‌رسد؟

جواب: الف- اشرف غنی

سوال: کدام مقام حکومت وحدت ملی از پول گدایی، لباس‌های صدهزار دلاری می‌خرد؟

جواب: الف- دکتر صاحب عبدالله عبدالله

سوال: در افغانستان چند قوم است و چرا باهم برادراند و این برادران چرا به جان هم می‌افتند؟

جواب: الف- چه؟!؟!!

سوال: چه کسانی بیشترین ترس را از آگاهی مردم دارند؟

جواب: الف- رهبران محترم

سوال: اگر فرضاً رییس فعلی گارنیزون کابل، رییس‌جمهور شود، به نظراتان اولین کاری که می‌کند چه خواهد بود؟

جواب: الف- نصف شهر را دستگیر خواهد کرد

سوال: اگر کسی ادعا کند که اشرف غنی اولین رییس‌جمهوری است که در نماز جنازه به رکوع و سجده رفته، چه واکنشی نشان می‌دهید؟

جواب: الف- والله اگر شک باشد...

سوال: طالبان در کدام ولایت برای اولین بار سنگ تهادب مکتب دخترانه را گذاشت؟

جواب: الف- در قندوز شریف

سوال: چرا وقتی می‌خواستند پیکر امیر حبیب‌الله را دوباره دفن کنند، جنجال شد؟

جواب: الف- این‌جا هر مسأله قبل از شروع ناموسی می‌شود

سوال: جنجال‌های ریاست‌جمهوری و ریاست اجرائیه به کجا رسیده؟

جواب: الف- تازه توافق کرده که کمیته‌ی ملاقات دو رییس را تشکیل کنند.

سوال: کار هیأت حقیقت‌یابی که برای بررسی فاجعه‌ی دوم اسد شکل گرفته بود به کجا رسیده؟

جواب: الف- من اتمر نیستم

سوال: در پارلمان افغانستان چند نوع وکیل وجود دارد؟

جواب: الف- ۲۴۹ نوع

سوال: از یوسف نورستانی خبر دارید که چه شد و کجا رفت؟

جواب: الف- ریاست‌جمهوری نمی‌گذارد او را محاکمه کند و ریاست اجرائیه اجازه نمی‌دهد او سفیر شود.

سوال: به نظر شما بزرگترین آرزوی اشرف غنی چیست؟

جواب: الف- برکناری عظام‌محمد نور از ولایت بلخ

سوال: بزرگترین آرزوی دکتر عبدالله عبدالله چیست؟

جواب: الف- هوس آف بیژن را در کارته پروان منتقل کند

سوال: بزرگترین آرزوی جنرال دوستم چه خواهد بود؟

جواب: الف- امضایش بچلد

سوال: بزرگترین آرزوی سرور دانش و محمد محقق چه خواهد بود؟

جواب: الف- این دو نفر آرزوی بزرگ ندارند.

سوال: عقب‌نشینی تاکتیکی در حکومت وحدت ملی به چه معناست؟

جواب: الف- به معنای فرار از مقر ولسوالی یا ولایت

\*\*\*

حالا شما بگوئید بدی این‌گونه سوال‌ها در کجاست؟ فقط یک عیب ممکن داشته باشد و آن این است که کمیته‌ی امتحانات کانون وزارت تحصیلات عالی، برای بعضی ولایات در کانون از این سیستم استفاده کند.

نویسارک تایمز/مجیب مشعل با همکاری  
جواد سخنیار، زهرا نادر و فهیم عابد

ترجمه: حمید مهدوی

# دادستان کل به دنبال عدالت در نظامی آکنده از اختلاس



ممنوعیت سفر ملی که حدود ۳۰۰۰ تن و اکثراً مالکان کسب و کار و قراردادی‌ها در آن شامل است، به راست و چپ اضافه شده است. یکی از مشکل‌سازترین، اما سودآورترین، کارهایی که دادستانی کل در آن دخیل بوده است پریدن به نزاع‌های مدنی بوده است که در حیطه‌ی صلاحیت کاری‌اش نیست. یک پیمانکار فرعی با یک پیمانکار اختلاف دارد؟ او را به دادستانی کل بکشانید و سریعاً او را در فهرست ممنوعیت خروج شامل سازید. این تاجر، برای نجات شهرتش، رشوه خواهد پرداخت یا به دنبال کمک یک زورمند خواهد رفت. کاون کاکر، مدیر یک شرکت حقوقی مستقر در کابل، گفت که درصد زیادی از دادستان‌ها در گذشته زمان‌شان را صرف حکمیت و داوری در پرونده‌هایی کرده‌اند که در حیطه‌ی کاری‌شان نیست. آقای کاکر گفت: «ما می‌بینیم که دادستان کل جدید آن را مهار می‌کند. اما ترس من این است که اگر راه فرار با قوانین و مقررات بسته نشود، وقت رهبری دیگری روی کار بیاید وضع به همان شکل سابق خواهد ماند.»

آقای حمیدی گفت دستور داده است تمام پرونده‌هایی که سال‌ها باز مانده‌اند در یک دوره‌ی زمانی دو ماهه بسته شوند تا دادستان‌های او بتوانند روی مشکلات فعلی تمرکز کنند. او گفت: «هیچ کسی نمی‌تواند کسی را در فهرست ممنوعیت خروج شامل سازد، هیچ کسی نمی‌تواند فعالیت‌های اقتصادی یک بنگاه را به‌خاطر ادعایی تعطیل کند. ما به‌طور کلی در مسایل مدنی مداخله نخواهیم کرد. بدی‌های مردم ربطی به ما ندارد.» حتا در سخت‌ترین فضای سیاسی، در حالی که حکومت رییس‌جمهور اشرف غنی با چالش‌های زیادی مواجه است و ضرب‌الاجل‌ها را از دست داده است، آقای حمیدی تأکید دارد که او تاکنون حمایت قوی شریکان ائتلافی حکومت را در تلاشش برای غیرسیاسی ساختن اداره‌اش با خود دارد.

او تعریف کرد که اخیراً چگونه [وظیفه‌ی] مقام قدرتمندی را در غرب افغانستان که پیشینه‌ی فراری دادن دوستانش از بازداشت پولیس با معافیت داشت، به حالت تعلیق درآورد. این مرد یکی از رهبران اصلی کمپاین آقای غنی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ در منطقه‌اش نیز بود. اما وقتی آقای حمیدی خواستار آن شد که این مقام برای بازجویی پیش دادستان‌ها حاضر شود، آقای غنی از او حمایت کامل کرد. آقای حمیدی می‌داند که برای خودش دشمن می‌سازد. اما او گفت وقتی دست به تغییرات زد، روی پایگاه در حال گسترش حمایت مردمی حساب می‌کرد. آقای حمیدی گفت: «در کشوری که در آن مردم دیگری توقع و انتظاری ندارند، وقتی کوچکترین اقدامی بکنی زیاد حمایت می‌شوی و این حمایت در کاهش هزینه‌ی سیاسی‌یی که یکی باید بپردازد، کمک می‌کند.»

به کشور فراخوانده شد. او به صراحت می‌گوید نهادی را به ارث برده است که احساس می‌کند در همان شکلی است که در بامداد پس از حمله بر حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ بود. باوجود مصرف شدن میلیون‌ها دلار، به اساسی‌ترین زیرساخت‌های آن یا ظرفیت کارمندان آن توجه نشده است، صرف یک-سوم کارمندان آن تحصیلات عالی دارند. آقای حمیدی می‌گوید که دادستانی کل یک تسویه‌خانه‌ی «سیستما‌تیک» برای اختلاس نخبگان بوده است که بر معاملات مشکوک و اتحادیه‌های صنفی فاسد هنگامی تحت فشار سیاسی قرار گرفته است، مهر قانون زده است. او گفت: «[دادستانی کل] شدیداً سیاسی بود -یک ابزار سیاسی در دست کسانی بود که می‌خواستند رقیبان‌شان را بزنند و آن‌ها را بی‌عزت کند.»

«جایی برای ترور شخصیت بود.» به گفته‌ی خیلی‌ها، آقای حمیدی در چند ماه نخست کارش به‌عنوان دادستان کل مصمم بود. او از ۳۰ تن از کارمندان دفترش بازجویی کرد و دیگری را که شهرت خراب و آلوده دارند در موافقی با نفوذ و اختیارات کمتر قرار داده است. او در رهبری، در صدر، تغییرات آورده و کادر جوان را به پست‌های جدید ترفیع داده است.

همه‌ی آن‌ها یک اتهام ضمنی علیه محمد اسحاق الکو، دادستان کل پیش از خود او، است که برای تقریباً هشت سال به‌عنوان دادستان کل خدمت کرد و یک متحد قوی حامد کرزی، رییس‌جمهور، پنداشته می‌شد. آقای الکو، از طریق تبلیغ، از پیشینه کار خودش دفاع کرد. آقای الکو در مورد اتهامات علیه خودش گفت: «[دادستانی کل] یک اداره‌ی پاک بود. این تبلیغات است - آن را باور نکنید. ببینید، فساد در گمرکات است. فساد در قراردادهای است. این‌ها همه دروغ‌اند.»

با این حال، مصاحبه‌ها با مقام‌ها در نظام قضایی، وکلا و تاجران، دادستان کلی را به تصویر می‌کشد که از شکار بسیار نفع برده است. هزاران پرونده‌ی بازجویی و تحقیقات برای سال‌ها باز مانده‌اند و دادستان‌ها هرچند ماه بعد دستوری صادر کرده‌اند تا کسی را برای بازجویی احضار کنند که فرصت دیگری برای رشوه [ستانی] است، درحالی که پرونده‌ها به هیچ جایی نرسیده‌اند. افرادی که با زورمندان پیوند داشته‌اند، اغلب به راحتی تبریته شده‌اند. بعداً، اگر حامیان آن‌ها برای حکومت به یک دردسر سیاسی تبدیل شده‌اند، پرونده‌های آن‌ها ناگهان بالا کشیده شده‌اند. با مقام‌های ارشد مرتبط با برخی از پرسروصداترین اختلاس‌ها، به‌شمول آن‌هایی که به فروپاشی تقریبی کابل‌بانک پس از ۹۰۰ میلیون دالر قرضه‌ی جعلی منتهم هستند، با ملایمت رفتار شد یا محکومیت آن‌ها به‌طور موثر فراموش شده است.

علاوه بر آن، آقای حمیدی گفت که نام افراد در فهرست

کابل، افغانستان- در دفتری در یک گوشه، در یکی از فاسدترین نهادهای حکومت افغانستان، به دادستان کل جدید این کشور وظیفه داده شده است تا عدالت را تأمین کند. این یک مبارزه‌ی سخت است، اگر مبارزه‌ی تاکنون وجود داشته است. محمد فرید حمیدی، دادستان کل، باید با یک نخبه‌ی سیاسی قدرتمند ستیزه کند که در ۱۵ سال گذشته اجرای قانون را دام شخصی‌اش فکر کرده است تا رقیبان را به دام بیاورد و پول کمایی کند. فرهنگ اختلاس و مصونیت از مدت‌ها قبل چنان ریشه دوانده است که مردم افغانستان دیگر به سختی به آن ایراد می‌گیرند.

نسیم اکبر، مدیر اجرایی کمیته‌ی مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری، کمیته‌یی که تلاش‌های مبارزه با فساد در سطح کشور را ارزیابی می‌کند، گفت: «وقتی مبارزه با فساد بگوئید، مردم می‌خندند و می‌گویند شانس خوب داشته باشید.» «فاسدترین صحبت از مبارزه علیه فساد، ادارات کنترل و نظارت در وزارت‌خانه‌ها عمدتاً به‌خاطر فسادشان شناخته شده هستند. مردم باور و اعتماد کامل را از دست داده‌اند.»

مهم‌تر از هرچیز دیگری، آقای حمیدی علیه نهاد خودش است. دادستانی کل که قرار است بالاترین اداره‌ی اجرای قانون باشد، دیده شده است که بارها آن را نقض کرده است. منصور لطفی، دانشجوی حقوق در ولایت پروان به آقای حمیدی در جریان یک سفر رسمی به این ولایت گفت: «[وقتی] یک خانه‌ی تجملی دو یا سه طبقه‌ی را می‌بینی و می‌پرسی «این خانه‌ی کیست؟» آن‌ها یک دادستان نام می‌برند که در گوشه‌ی از دادستانی کل در این‌جا کار می‌کند.» «هرکسی که متوجه می‌شود من دانشجوی حقوق هستم نیت و هدف واقعی من را می‌پرسد، چون قانون زیر سوال رفته است.» آقای حمیدی به نشانه‌ی توافق دردناک سرش را تکان داد. وقتی نوبت صحبت کردن او رسید، اذعان کرد که ناکامی نظامی قضایی مرم را از حکومت بیگانه ساخته است، گاهی آن‌ها را تحریک کرده است تا حتا در مناطق تحت کنترل حکومت شکایت‌شان را به طالبان ببرند. او گفت: «کنترول ولسوالی‌ها چه معنا دارد وقتی دل‌های مردم را با خود نداریم؟»

آقای حمیدی، پدر ۸ ساله سه فرزند که در هفت ماه گذشته دادستان کل بوده است، فارغ‌التحصیل اکادمی پولیس است که بعداً به زندگی ملکی رو آورد و حقوق خواند. او برای یک دهه به‌عنوان یک کمیشنر شناخته شده حقوق بشر خدمت کرد و برخی از قدیمی‌ترین بی‌عدالتی‌های نخبه‌گان سیاسی را بررسی کرد. او برای هشت ماه روی ماستر‌اش در دانشگاه هاروارد کار می‌کرد که این هشت ماه تنها دوره‌ی زندگی او در خارج است تا این که پس از تأیید انتصاب او توسط حکومت ائتلافی به‌عنوان دادستان کل



فریفتن و چیرگی است.» (نیچه، انسانی، زیاده انسانی: ۲۲۱) غرض، دست یافتن به وجوه مشترکی است که به‌باور نگارنده‌ی این مقاله تا آن‌جا که می‌داند، میان آن‌چه که از افلاتون در آغاز یادآوری شد و فلسفه‌ی ویتگنشتاین وجود دارد. گزاره‌های زبانی، در جهان نظری افلاتون نیز، پدیده‌ی مغلق و دردسرسازی بوده است. او مواجهات مکرری با این مسأله دارد و نتیجه نیز سنگین و تأمل برانگیز است. افلاتون در رساله‌ی «تتوس»، از تتوس می‌پرسد: «چگونه می‌توان چیزهای دانستی را از چیزهای نادانستی باز شناخت؟» (افلاتون، چهار رساله، رساله‌ی تتوس، ترجمه‌ی محمود صناعی: ص ۳۴۳ و ۳۴۴). منظور افلاتون از تفکیک میان امور «دانستی» و «نادانستی»، معنابخشی و مفهوم‌دهی به پدیده‌ها به‌وسیله‌ی زبان است و این‌که چگونه می‌توانیم میان معنایی که زبان از رهگذر نام‌گذاری به پدیده‌ها می‌دهد، با نفس آن پدیده انطباق ایجاد کرد.

نیچه معتقد بود که گزاره‌های زبانی به‌صورت تک‌افتاده، چیزهای معناداری نیستند، یعنی این گزاره‌ها، واقعاً همان معناهایی را ندارند که ما در ذهن‌مان از آن‌ها ساخته‌ایم؛ پدیده‌ها با معناهای نمودی یا قراردادی‌شان ما را فریب می‌دهند. اما این‌جا افلاتون در خصوص گزاره‌های نخستین یا «عناصر اولیه»، با نیچه و «پژوهش‌های فلسفی» ویتگنشتاین، هم‌داستان نیست. افلاتون دوباره در همان رساله‌ی «تتوس» از زبان سقراط نظری را ارایه می‌دهد که باورهای «رساله...» با آن، مشابهت‌ها و نزدیکی‌های زیادی دارد:

شنیدم که حروف یا عناصر اولیه، که تو و من و سایر چیزها از آن ساخته شده‌ایم، فقط نامی دارند و توجیه و دلیلی نمی‌توانند داشت. حتا به نفی یا اثبات چیزی در خصوص آن‌ها نمی‌توان گفت. چه، اگر بگویم هستند یا نیستند، هستی و نیستی را نیز به آن‌ها افزوده‌ایم و حال آن‌که آن‌ها عناصر ساده‌اند. این عناصر را نمی‌توان با الفاظی از قبیل «خودش» یا «آن» یا «هریک» یا «تنها» و یا «این» و امثال آن وصف کرد. زیرا این چیزها به هر چیزی اطلاق می‌شوند و همه‌جا می‌روند و حال آن‌که عناصر اولی، اگر وصفی هم داشتند، در این وصف با چیز دیگری اشتراک نمی‌داشتند. اما این عناصر اولی را تعریف نمی‌توان کرد. فقط نام‌شان می‌توان برد. چون جز نام، چیزی ندارند. سایر چیزها را که از این عناصر ساخته شده‌اند، تعریف می‌توان کرد و در تعریف آن‌ها از ترکیب نام‌های مختلف سخن می‌توان گفت. چه، اساس تعریف، ترکیب شدن از نام‌های مختلف است. اما عناصر اولیه فقط موضوع ادراک واقع می‌شوند و موضوع تعریف دانش قرار نمی‌گیرند. ترکیباتی که از این عناصر پدید می‌آیند، قابل توصیف و قابل شناسایی‌اند» (همان، صص ۳۴۳ و ۳۴۴).

فراز نقل شده، تا حد زیادی وضاحت دارد و بی‌نیاز از تبصره و تفسیر می‌نماید. این نکته را اما باید خاطر‌نشان کرد که مراد از «عناصر اولیه» در این‌جا، همان‌گونه که در متن نیز صراحت یافته است، تنها عناصر نخستین سازنده و تشکیل‌دهنده‌ی جهان نیست که فلاسفه‌ی یونان باورهای مختلفی در مورد آن داشتند. هنگامی که از تعریف‌ناپذیری چیزی حرف می‌زنیم، به‌صورت پیشینی منظور این است که نسبت آن چیز با زبان، در سطح گزاره‌های نخستین باقی مانده است. نکته‌ی دیگری که در این ارتباط نیازمند توضیح است، این است که در نزد ویتگنشتاین نخست، هرچند که گزاره‌های نخستین در نفس‌الامر نشانه‌های معناداری نیستند و تمام‌شان ترکیب‌های بی‌واسطه‌ی از نام‌هایند، اما در عین حال همین گزاره‌ها، ارجاع مستقیمی به عینیت‌ها داشته و تصاویری هستند از امور واقع. به‌بیان دیگر، تلقی ویتگنشتاین از زبان در این خصوص، یک تلقی ذات‌گرایانه است. در فلسفه‌ی افلاتون اما، عناصر اولی فاقد هرگونه دلالت معنایی می‌نمایند و در خصوص این عناصر فقط آن‌گاه از معنا می‌توان سخن گفت که باهم ترکیب شده باشند. به‌عبارت دیگر، عناصر را نمی‌توان شناخت، اما نسبت به مرکبات آن‌ها می‌توان دانش پیدا کرد. افلاتون این مرکبات را، «هیچاها» نام داده است.

رساله‌ی تتوس در ادامه‌ی بحث، هرچند که دوباره از زبان سقراط این باور را به چالش می‌کشد، اما تا همین مقدار که نشان می‌دهد معناداری امور و پدیده‌ها و چگونگی ترکیب گزاره‌های زبانی جایگاه مقتدری در نزد افلاتون دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

در پایان، تا آن‌جایی که در این متن بی‌مجال، فرصت بود، دیدیم که رأی ویتگنشتاین در خصوص زبان و معنا و گزاره‌های معنامند در فلسفه‌ی نخست، مشابهت‌های زیادی با نظریه‌ی افلاتون در رابطه با ساخت و تشکیل پدیده‌ها دارد و در رهیافت فلسفی دومش، علی‌رغم دوباره در محوریت قرار دادن زبان و معنا، از اندیشه‌ی نخست خود کناره‌گیری نموده و به زبان نیچه‌ی نزدیک‌تر می‌گردد. باری، به نظر می‌رسد ویتگنشتاین در «رساله‌ی منطقی-فلسفی» خود، چشم‌زدهای پرنرنگی به نظریه‌های افلاتون داشته، با این تفکیک که در نزد افلاتون قبل از همه، حرف از جهان و ساختار وجودی انسان است اما ویتگنشتاین مشخصاً زبان را به‌عوض آن به کار می‌برد.

جایگاه معنامند مستقلی در نظر گرفت. «به‌رغم رشد علم در مقایسه با گذشته‌گان، ما بیش‌وکم از ماهیت صندلی و میز آگاهی داریم» (معنای معنا، فصل چهارم). ولی آیا در برابر یک گزاره‌ی معنادار، گزاره‌ی که به‌قول ویتگنشتاین، بتواند «وجود و ناوجود وضع چیزها را» بازنمایاند، می‌توان از صرف بیان واژه‌ی «میز» یا «صندلی» چیز معناداری به‌دست آورد؟ شکل منطقی بیان مسأله چنین است: هرگاه شخص «الف» از طریق تلفن از شخص «ب» بپرسد: «امروزها چرا نمی‌نویسی؟» و «ب» در پاسخ، فقط بگوید: «میز»؛ چه‌گونه می‌توانید تصور کنید که «الف» منظور «ب» را درک کرده باشد؟ نباید از خاطر دور داشت که ادراک، با نشانه‌ها و مدلولات سروکار ندارد. پس لازم است «ب» در پاسخ سوال «الف» از زبان کار بگیرد. یعنی با ترکیب گزاره‌های نخستین، وارد یک بازی زبانی شده و مشروح نماید: «پایه‌ی میزم شکسته است و نمی‌توانم روی آن کار کنم.» (ویتگنشتاین مطابق تفسیر سروش دیباغ، «زبان خصوصی» را از بنیاد نفی می‌کند. لذا، «میز» هم به‌لحاظ اعتبار گزاره‌ی و هم به‌لحاظ خصوصی بودن، نمی‌تواند به‌ماهو متضمن معنایی باشد).

در کنار این‌ها، ویتگنشتاین در «رساله...» صدق و کذب زبان را، منوط به صدق و کذب گزاره‌های نخستین می‌داند و بر این مبنا، معتقد است که ارزش زبان، تابع ارزش گزاره‌های نخستین و تشکیل‌دهنده‌ی آن است و بالعکس؛ یعنی یک رابطه‌ی دیالکتیکی میان جزء و کل زبان وجود دارد. ویتگنشتاین در فلسفه‌ی متأخر خود یا «پژوهش‌ها...» و در پرتو «بازی‌های زبانی» به‌باور من، تلاش زیادی کرد تا برای سنت نیچه‌ی زبان، پشتوانه‌ی بسازد، اما آن‌چه که مسلم است، این است که فلسفه‌ی ویتگنشتاین، در هر حالتش قادر نیست اتخاذ یک رویکرد تحلیلی نسبت به زبان را کنار بگذارد، علی‌رغم قاعده‌ناپذیری و تعیین‌گریزی گزاره‌ها و مدلولات زبانی. نیچه در «انسانی، زیاده انسانی» ادعا می‌کند: «زبان گستره‌ی هزارپنج است که آدمیان را به محدودیت‌شان واقف می‌سازد و می‌توان گفت زبان به‌مثابه‌ی دهلیز تودرتوی فرهنگ است و ما، در گذرگاه‌های تاریک آن رها شده‌ایم. واژگان در این دهلیز، چون اشباح ما را دنبال می‌کنند. به همین جهت نباید زبان را با حقیقت و درستی مرتبط دانست. بدین‌معنا که زبان به‌بیان حقیقت، کمک نمی‌تواند کرد و با امور نفس‌الامر، سروکاری ندارد. بلکه آن‌چه به زبان نیرو می‌بخشد، آفرینش هنری است که در سایه‌ی آرایه‌های بدیعی یعنی استعاره، مجاز، تلمیح و تمثیل، رنگ جذابی را در دید ما قرار می‌دهد. افزون بر این، روح زبان را باید زنی فریبا و افسون‌گر دانست که در پی

می‌تاباند...» و... آن‌چه در گام نخست از این گزاره‌ها می‌توان نتیجه گرفت، این است که اندیشه، همان چیزی که انسان با آن تعریف‌پذیر می‌گردد، در نزد ویتگنشتاین، در واقع همان زبان است. لازم به یادآوری است که تلقی ویتگنشتاین از گزاره‌ها در این دوره، مراتب ارزشی متفاوتی به گزاره‌ها می‌بخشد. معنای این سخن این است که یک گزاره‌ی نخستین، هرگز مدلول معنامند و ثابتی را با خود ندارد و جهت معنایی، با گزاره‌های دیگر ناگزیر باید ترکیب گردد؛ یک گزاره‌ی نخستین، فاقد تصویر است و لذا، لزوماً بی‌معنا.

ویتگنشتاین با آن‌که در فلسفه‌ی دومش دست به ساخت‌شکنی‌هایی زد، اما بر سر این مسأله تا حد زیادی وفادار ماند و در «پژوهش‌ها...» به نحو دیگری به این موضوع پرداخت.

به‌نظر می‌رسد که شاید بتوان با رویکرد نشانه‌شناختی، برای گزاره‌های نخستین نیز معنا و مفهومی قابل شد. در سنت هرمنوتیک مدرن اما، نمی‌توان برای گزاره‌های نخستین، رساله‌ی تتوس در ادامه‌ی بحث، هرچند که دوباره از زبان سقراط این باور را به چالش می‌کشد، اما تا همین مقدار که نشان می‌دهد معناداری امور و پدیده‌ها و چگونگی ترکیب گزاره‌های زبانی جایگاه مقتدری در نزد افلاتون دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

**در پایان، تا آن‌جایی که در این متن بی‌مجال، فرصت بود، دیدیم که رأی ویتگنشتاین در خصوص زبان و معنا و گزاره‌های معنامند در فلسفه‌ی نخست، مشابهت‌های زیادی با نظریه‌ی افلاتون در رابطه با ساخت و تشکیل پدیده‌ها دارد و در رهیافت فلسفی دومش، علی‌رغم دوباره در محوریت قرار دادن زبان و معنا، از اندیشه‌ی نخست خود کناره‌گیری نموده و به زبان نیچه‌ی نزدیک‌تر می‌گردد. باری، به نظر می‌رسد ویتگنشتاین در «رساله‌ی منطقی-فلسفی» خود، چشم‌زدهای پرنرنگی به نظریه‌های افلاتون داشته، با این تفکیک که در نزد افلاتون قبل از همه، حرف از جهان و ساختار وجودی انسان است اما ویتگنشتاین مشخصاً زبان را به‌عوض آن به کار می‌برد.**

فکر، انسان‌های خردمند و نادان را به یک اندازه مجذوب خود می‌کند» (لائوتسو، به نقل از «معنای معنا»، سی. ای. آگدن و آی. ای. ریچاردز). ویتگنشتاین از جمله کسانی است که در هر دو دوره از کار فلسفی خود، اهمیت ویژه و منحصربه‌فردی به زبان و گزاره‌های زبانی قایل شده است. البته که در سنت فلسفه‌ی تحلیلی که ویتگنشتاین از آن می‌آید، این حرف، حرفی چندان شگفت‌انگیز نخواهد بود، اما جایگاه ویژه‌ی ویتگنشتاین در این سنت، انکارناپذیر است. هرچند که او در ۱۹۲۹ زمانی که پس از چند سال سکوت به کیمبریج برمی‌گردد، دیده می‌شود که دیگر باورهای مندرج در فلسفه‌ی نخستش را به کنار نهاده و در «پژوهش‌های فلسفی» شماری از ایده‌های آن دوره را به نقد می‌کشد، واقع اما این است که او هرگز نتوانست/نخواست موضوعات آن دوره از فلسفیدنش را رها نماید. از این‌رو، او به‌هیچ‌صورت قادر نشد از کنار گزاره‌های زبانی با «سکوت» بگذرد. بنابراین، در فلسفه‌ی مقدم و متأخر این فیلسوف بزرگ و پرماجرا، زبان و گزاره‌های زبانی و معنا، مسأله‌ی مرکزی و موضوع محوری بوده است. او در بخشی از «رساله‌ی منطقی-فلسفی» یا «تراکتاتوس» -که هسته‌ی فلسفه‌ی نخستش در آن گنجانیده شده- در گفتار یا بند چهارم، به تکرار از گزاره‌های زبانی سخن می‌گوید و گویا برداشتش از این موضوع را، بیان می‌کند: «اندیشه، گزاره‌ی معنادار است.»، «مجموعه‌ی گزاره‌ها، زبان است.» و «گزاره، وجود و ناوجود وضع چیزها را باز

می‌تاباند...» و... آن‌چه در گام نخست از این گزاره‌ها می‌توان نتیجه گرفت، این است که اندیشه، همان چیزی که انسان با آن تعریف‌پذیر می‌گردد، در نزد ویتگنشتاین، در واقع همان زبان است. لازم به یادآوری است که تلقی ویتگنشتاین از گزاره‌ها در این دوره، مراتب ارزشی متفاوتی به گزاره‌ها می‌بخشد. معنای این سخن این است که یک گزاره‌ی نخستین، هرگز مدلول معنامند و ثابتی را با خود ندارد و جهت معنایی، با گزاره‌های دیگر ناگزیر باید ترکیب گردد؛ یک گزاره‌ی نخستین، فاقد تصویر است و لذا، لزوماً بی‌معنا.

ویتگنشتاین با آن‌که در فلسفه‌ی دومش دست به ساخت‌شکنی‌هایی زد، اما بر سر این مسأله تا حد زیادی وفادار ماند و در «پژوهش‌ها...» به نحو دیگری به این موضوع پرداخت.

به‌نظر می‌رسد که شاید بتوان با رویکرد نشانه‌شناختی، برای گزاره‌های نخستین نیز معنا و مفهومی قابل شد. در سنت هرمنوتیک مدرن اما، نمی‌توان برای گزاره‌های نخستین، رساله‌ی تتوس در ادامه‌ی بحث، هرچند که دوباره از زبان سقراط این باور را به چالش می‌کشد، اما تا همین مقدار که نشان می‌دهد معناداری امور و پدیده‌ها و چگونگی ترکیب گزاره‌های زبانی جایگاه مقتدری در نزد افلاتون دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

**در پایان، تا آن‌جایی که در این متن بی‌مجال، فرصت بود، دیدیم که رأی ویتگنشتاین در خصوص زبان و معنا و گزاره‌های معنامند در فلسفه‌ی نخست، مشابهت‌های زیادی با نظریه‌ی افلاتون در رابطه با ساخت و تشکیل پدیده‌ها دارد و در رهیافت فلسفی دومش، علی‌رغم دوباره در محوریت قرار دادن زبان و معنا، از اندیشه‌ی نخست خود کناره‌گیری نموده و به زبان نیچه‌ی نزدیک‌تر می‌گردد. باری، به نظر می‌رسد ویتگنشتاین در «رساله‌ی منطقی-فلسفی» خود، چشم‌زدهای پرنرنگی به نظریه‌های افلاتون داشته، با این تفکیک که در نزد افلاتون قبل از همه، حرف از جهان و ساختار وجودی انسان است اما ویتگنشتاین مشخصاً زبان را به‌عوض آن به کار می‌برد.**

فکر، انسان‌های خردمند و نادان را به یک اندازه مجذوب خود می‌کند» (لائوتسو، به نقل از «معنای معنا»، سی. ای. آگدن و آی. ای. ریچاردز). ویتگنشتاین از جمله کسانی است که در هر دو دوره از کار فلسفی خود، اهمیت ویژه و منحصربه‌فردی به زبان و گزاره‌های زبانی قایل شده است. البته که در سنت فلسفه‌ی تحلیلی که ویتگنشتاین از آن می‌آید، این حرف، حرفی چندان شگفت‌انگیز نخواهد بود، اما جایگاه ویژه‌ی ویتگنشتاین در این سنت، انکارناپذیر است. هرچند که او در ۱۹۲۹ زمانی که پس از چند سال سکوت به کیمبریج برمی‌گردد، دیده می‌شود که دیگر باورهای مندرج در فلسفه‌ی نخستش را به کنار نهاده و در «پژوهش‌های فلسفی» شماری از ایده‌های آن دوره را به نقد می‌کشد، واقع اما این است که او هرگز نتوانست/نخواست موضوعات آن دوره از فلسفیدنش را رها نماید. از این‌رو، او به‌هیچ‌صورت قادر نشد از کنار گزاره‌های زبانی با «سکوت» بگذرد. بنابراین، در فلسفه‌ی مقدم و متأخر این فیلسوف بزرگ و پرماجرا، زبان و گزاره‌های زبانی و معنا، مسأله‌ی مرکزی و موضوع محوری بوده است. او در بخشی از «رساله‌ی منطقی-فلسفی» یا «تراکتاتوس» -که هسته‌ی فلسفه‌ی نخستش در آن گنجانیده شده- در گفتار یا بند چهارم، به تکرار از گزاره‌های زبانی سخن می‌گوید و گویا برداشتش از این موضوع را، بیان می‌کند: «اندیشه، گزاره‌ی معنادار است.»، «مجموعه‌ی گزاره‌ها، زبان است.» و «گزاره، وجود و ناوجود وضع چیزها را باز

افلاتون در رساله‌ی «تتوس» هنگامی که آن پلمیک و مجادله‌ی زبانی سقراط با تتوس را به‌میان می‌کشد، با زبان سقراط در نقد اظهارات تتوس، با مسأله‌ی بغرنج و دشواری درگیر می‌شود. به‌گمان اغلب، این مسأله‌ی بغرنج، همان مسأله‌ی است که گفتمان غالب منطق و فلسفه‌ی معاصر را تشکیل می‌دهد: زبان و گزاره‌های زبانی. گزاره‌های زبانی با به‌چالش مواجه شدن معنا و زبان، امروزه پدیده‌ی مسأله‌داری شده است. ساده‌ترین امر قابل تعریف هم قادر نیست با تراگذاری از حل مسأله‌ی زبان و اجزای پدیده‌آورنده‌ی آن، تصویر معنامند و متعینی از خود ارائه کند.

انسان خود تجسم عینی زبان و مدلولات زبانی خود است. ما اگر نتوانیم نمونه‌ی روشنی از همه‌زیان‌بودن‌مان را به نمایش بگذاریم، تبدیل به موجود ناشناخته‌ی می‌شویم. دغدغه‌ی الکسس کارل در «انسان موجودی ناشناخته» این است که، چیست آن پدیده‌ی که همه‌ی پدیده‌های دیگر را می‌تواند شناخت، قادر است پدیده‌ها بسازد و چیزهای بسیاری را نابود کند و باعث تغییر و تحول آن‌ها شود، اما خود هر روز به پدیده‌ی ناشناخته‌تر و معمایی‌تری تبدیل می‌شود. او جهت یافتن پاسخ به این مشکل، به رهیافت‌های فیزیولوژیک متوسل می‌شود. امروزه اما، باید پذیرفت که اگر زبان نتواند در راه شناخت این «موجود ناشناخته» کاری بکند، از علوم طبیعی نباید طلبید که به عوالم ناپیدای این موجود، بتواند پا بگذارد. البته ادعای این نیست که علم نمی‌تواند وارد دنیای درونی چیزها و پدیده‌ها گردد، اما می‌خواهم بر این موضع تأکید کنم که شرح و تفسیر پدیده‌ها و دگرگشت آن‌ها از منظر هستی‌شناختی، کار علوم طبیعی نیست. شما چگونه می‌توانید مثلاً رأی استقرایی ارسطو یا دیالکتیک طبیعی هراکلیت را با نشانه‌های دانش هندسه یا فرم تعاملات شیمیایی واضح ساخته و تبیین نمایید؟ بدیهی است که انجام این مهم، به عهده‌ی زبان است؛ زبانی که در حیثیت انتزاعی خود، پدیده‌ی تاریخی‌تر از فرآورده‌های علوم طبیعی است و آن چیزی که خود را به‌واسطه‌ی زبان بر ما آشکار می‌کند: فلسفه. از این است که شناخت گزاره‌های زبانی، تبدیل به مسأله‌ی بغرنج و دردسرسازی بر سر راه فلسفه و منطق جدید شده است.

چه در علوم طبیعی و چه در دیگر حوزه‌های معرفتی، بیشترین رویکردهای معرفتی، قراردادی‌اند. به‌بیان دیگر، هیچ امری را نمی‌توان نشان‌دهی که فراتر از جغرافیای حدسی و احساسی‌مان قرار داشته باشد، فراتر از آن تصویری که به‌صورت بنیادین و نمادین، از آن امر در ذهن داریم. «بهترین معرفت ما معرفت علمی است، اما معرفت علمی نیز فقط معرفت حدسی محسوب می‌شود» (کارل پوپر، زندگی سراسر حل مسأله است: ص ۱۰۵). و «دریافت‌های حسی ما بعضاً تحت‌الشعاع انتظارات و منافع مقطعی ما قرار می‌گیرند» (همان، ص ۱۰۰). تصویر کلیست در ذهن ما، آن چیزی است که در دانش شیمی، خاصیت اعمال تعامل بر عناصر را دارا است. این خود یک قرارداد است. امروزه اما، نمی‌توان جز این، تعریفی برای آن چیزی یافت که آن را کلیت می‌نامیم به‌گونه‌ی که آن چیز در عمل نیز خلاف عمل‌کرد پیشین تبارز یابد، یعنی علم‌کردش نیز به‌صورت دیگری درآید.

دست‌کم در فلسفه‌ی یک قرن اخیر زبان، معنا و گزاره‌های زبانی، بدل به امری تأمل‌خواه و توجه برانگیزی شده‌اند. در مغرب‌زمین تقریباً از سه قرن بدین‌سو، در حوزه‌ی فلسفه، مسأله‌ی اعتقادات و اعتمادها از مقام محوریت دور افتاده و جایش را به سکوت و معنا داده است. هرازچندگاهی هم اگر از آن موضوع متقدم به‌عنوان یک اژه‌ی منفعل حرفی به میان می‌آید، بحث ناگزیراً طوری مطرح می‌گردد که قبل از آن موقفش با زبان باید روشن شده باشد. «تأثیر زبان بر

# خوبالی سازی معرفت

ستار ثابت

# چهارم

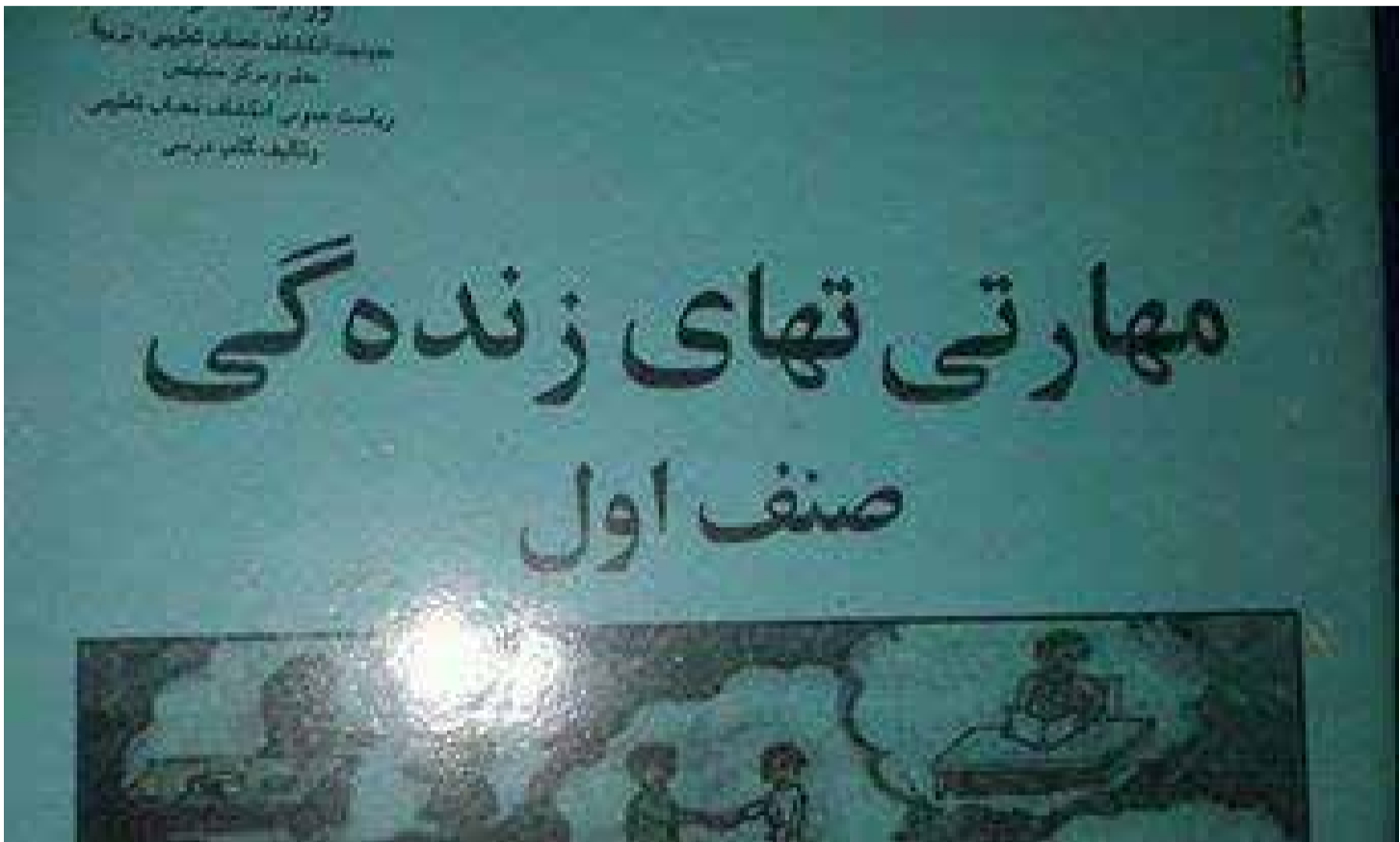
سخن داهاتف

## جنبش و حزب

در سال‌های بعد از سقوط طالبان دهه‌ها حزب سیاسی در افغانستان به وجود آمدند و اجازه‌ی فعالیت رسمی یافتند. اما بسیاری از این احزاب به سرعت به تاریکخانه‌ی فراموشی لغزیدند و حتا نامی نیز از خود بر جا نگذاشتند. این احزاب فراموش شده را دستگاه حاکم لغو نکرد؛ به‌طور خودکار گم و گمنام شدند. امروز کمتر کسی اسم این احزاب و رهبران و اعضای ارشدشان را می‌شناسد. از فعالیت‌شان نیز هیچ خبری نیست. از سویی دیگر، در سال‌های اخیر نمونه‌هایی از حرکت‌های جمعی مردم در اعتراض به سیاست‌های دولت رخ نمودند که به نام «جنبش» مسمی شدند. جنبش تبسم، جنبش روشنایی و جنبش رستاخیز دادخواهی.

این جنبش‌ها، که البته با تعریف‌های کتابی از مفهوم جنبش همخوانی زیادی نداشتند، به‌خاطر مقید نبودن‌شان در چارچوب‌های حزبی توانستند افراد زیادی از گرایش‌های متنوع سیاسی را بر گرد یک آرمان عام - مثلاً عدالت اجتماعی - بسیج کنند. اما این پوشش عام نتوانست مرزهای قومی را نیز درنوردد. هرچند هم در جنبش تبسم و جنبش روشنایی و هم در جنبش دادخواهی تعدادی افراد از قوم‌های «دیگر» نیز مشارکت کردند، اما برای همه‌گان روشن بود که بدنه‌ی اصلی جنبش روشنایی و جنبش تبسم را هزاره‌ها تشکیل می‌دادند و بنیاد اصلی جنبش موسوم به رستاخیز دادخواهی در میان قوم تاجیک نهاده شده بود. پی‌آمد مهم این وضعیت این بود که جنبش‌ها نیز در نهایت بر همان خط احزاب قدیمی حرکت کنند. به این معنا که این جنبش‌ها بر گسست‌های تازه در جغرافیای سیاسی افغانستان دلالت نمی‌کردند و نمی‌کنند. به‌بیانی دیگر، اگر هر کدام از این حرکت‌های اجتماعی در دوران بعد از طالبان را لرزه‌های مهمی در جغرافیای سیاسی افغانستان بدانیم، این لرزه‌ها نیروی خود را از گسست‌های حزبی جدید بیرون ندادند. بل از گسست‌های آمادگی که قبلاً به نام آرمان‌های سیاسی احزاب قدیمی شکل گرفته بودند، بیرون دادند. به این ترتیب جنبش روشنایی و جنبش تبسم خواهی‌نخواهی در چارچوب آرمان‌های شکل‌یافته توسط حزب وحدت اسلامی تفسیر شدند و رستاخیز دادخواهی‌یی که تاجیک‌ها سامان‌اش داده بودند در هیات یک حرکت شورای نظاری یا جمعیتی رخ نمود.

امروز بسیاری دوست دارند این جنبش‌ها را نشانه‌ی گذاری عمیق به وضعیتی جدید بدانند. اما وقتی حساب‌ها تسویه شوند (و این تسویه‌ی حساب در این جنبش‌ها جریان دارند) آن‌چه برجای می‌ماند نه مراد و آرمان احزاب جدید است و نه خواسته‌های عام و بی‌شکل مردمی. آن‌چه بر جا می‌ماند بیان خواسته‌های اجتماعی در همان قالب‌های حزبی مذهبی کلاسیک است. نشانه‌های آن را از همین اکنون می‌توان دید.



رسوایی نامی بر آن نمی‌توان نهاد. همین امسال شاهد بودیم که در آغاز سال، کتاب‌های صنفی چگونه و با چه نوع املا و رسم‌الخطی چاپ شده و وارد بازار شده بودند. ننگ‌آور است که کارگزاران معارف یک کشور، آن‌قدر سواد ندارند تا یک عبارت «هنر خطاطی» یا «آداب معرفت» را درست بنویسند و آن را به تعداد حرف‌ها، با اغلاط املائی آغشته نکنند و سپس در بدل یک جلد کتاب این‌چنینی، هزینه‌ی ده‌ها جلد کتاب از بودجه‌ی ملی به‌مصرف رسیده و در ساخت مکاتب خیالی و اکمال معلمان خیالی هزینه نشود. آقای عبدالله، شما نیک می‌دانید که بی‌سوادی در میان مردم، یک موضوع روشن و غیرقابل انکار است. روشن‌تر از آن اما، کژی و ناکامی راهی است که مسئولین جهت محو بی‌سوادی در پیش گرفته‌اند. این راه، هیچ تفاوتی با آن اظهارات فارق اعظم ندارد که از میزان بالای اشتراک مردم دایکندی در کنکور گلابه کرده است. شاید آقای فارق اعظم و اشخاص هم‌فکر ایشان بیشتر از این‌که از بابت اشتراک مردم دایکندی در کنکور ناراضی باشند، با نفس دانش و سوادداری مشکل داشته باشند. چون دانش منطقاً ویران‌گر است است، یعنی جز خود را و هر آن‌چه را که رنگ غیرمعرفتی دارد، نابود می‌سازد. در این میان، بدیهی است آن‌کسانی که به مدد بی‌سوادی مردم بر گرده‌های آن‌ها سوار شده و به جاه و مقام رسیده‌اند، با رفتن سواد در میان آن‌ها مخالف باشند. حالا حرف بر سر اظهارات فارق اعظم نیست. حرف بر سر این است که راه‌کارهایی که مسئولین معارف کشور برای نابودی بی‌سوادی ارائه می‌کنند، تفاوتی با اظهارات فارق اعظم ندارند.

دانش قبل از هر موضوعی، یک امر معرفتی است، به این معنا که به‌لحاظ معرفت، انسان را دچار تحول و تغییر نموده و از مرحله‌ی پیش‌معرفتی بیرون می‌کشد و اصل ثابت معرفت، صداقت است. صداقت هم در محور معرفت است و هم ضامن گسترش و بقای آن. چیزی که اسفبار است، این است که خیالی‌سازی مکاتب و معلمان، این اصل را از بنیاد حذف می‌کند و با حذف صداقت، نمی‌توان به گسترش معرفت دست بازید. خیالی‌سازی مکتب و معلم، یعنی خیالی‌سازی معرفت و خیالی‌سازی معرفت مفهومی جز گسترش و تضمین بقای نامعرفتی و بی‌سوادی در فراگیرترین شکل آن ندارد. سران حکومت وحدت ملی اگر در نسبت خود با مردم و معرفت صادق‌اند، به‌جای این‌که آمده حرف‌هایی بزنند که فقط مصرف رسانه‌یی دارند، رفته با موانعی مبارزه کنند که نمی‌گذارند مردم باسواد شوند. با کسانی مبارزه کنند که از بودجه‌ی ملی، مکاتب خیالی می‌سازند و به معلمان خیالی معاش می‌دهند و با کسانی مبارزه کنند که تاکنون به‌نحوی از انجا، خودشان از آن‌ها حمایت کرده‌اند و بر خیالی‌سازی‌های‌شان پرده انداخته‌اند.

آقای عبدالله عبدالله روز گذشته در در جلسه‌ی به‌مناسبت گرامی‌داشت از روز جهانی سواد و هفته‌ی مبارزه با بی‌سوادی در کشور، اظهار داشته است که محو بی‌سوادی در کشور، تنها مسئولیت دولت نیست و خود مردم می‌بایست در این زمینه اقدام نمایند. ظاهراً سخنان آقای عبدالله مشکلی خاصی ندارد و می‌توان آن را همچون سایر تشریفات هرروزینه و معمول سران حکومت تفسیر دوستانه‌یی کرد و از سرش رد شد.

شکی در این نیست که، هنگامی که از بی‌سوادی فراگیر در میان مردم سخن می‌گوییم، روشن می‌سازیم که بخشی از تقصیر را در بی‌سوادی ماندن مردم، دوباره باید خود همان مردم حمل کنند. یعنی مردم برای محو و از میان برداشتن بی‌سوادی خود تلاش نموده و راه آموختن دانش و معرفت را در پیش بگیرند. اما در کشوری چون افغانستان، منصفانه‌تر این خواهد بود که قبل از همه، در پی شناسایی علل و عوامل این بی‌سوادی باشیم. زیرا به‌نظر می‌رسد که شناسایی این علل و عوامل و تلاش برای از بین بردن آن‌ها، خود زمینه را برای پخش و انتشار سواد آماده می‌سازد. منظور این است که، در وضعیتی که دانش در سطح جهان جایگاه و نقش بایسته‌ی خود را کسب نموده است، حذف موانع در نقاط معهود و کنترل‌پذیری چون افغانستان، خودبه‌خود سواد را همگانی می‌سازد. بگذارید ساده بیان کنم: چرا افغانستان تاکنون چنین غرق در بی‌سوادی باقی مانده است؟ روشن است که چیزهایی وجود دارند که این وضعیت بی‌سوادی را حفظ می‌کنند. در چنین حالتی، از میان برداشتن آن چیزها، یعنی آن موانع، آیا خود به‌معنای راه باز کردن برای انتشار سواد نیست؟ به‌نظر می‌رسد که اختلاف‌نظری بر سر این مسأله نخواهد بود. حالا حرف این‌جاست که چه چیز و چیزهایی در کشور مانع پخش و نشر دانش می‌شوند و چرا به‌جای حرف

و سخن‌های بی‌بها و فاقد اعتبار اجرایی، برای محو آن موانع تلاشی صورت نمی‌گیرد؟ از جمله نهادهایی که در راستای پخش و نشر دانش و سواد در میان مردم باید کار کنند، یکی وزارت معارف کشور است؛ خوب است به‌یاد بیاوریم که در طی این پانزده سال حکومت قانون در افغانستان، این وزارت چه کار و کارنامه‌یی داشته است. فساد و اختلاس هولناکی که در این وزارت صورت گرفته و آن‌همه مکاتب خیالی که وزیران محترم این وزارت تاکنون بر گرده‌ی مردم اعمار کرده‌اند و چه فرصت‌های ارزش‌مندی را که به باد فنا داده و چه هزینه‌های سنگینی که برای این فوت فرصت‌ها از جیب و جان مردم پرداخت شده است. وزارت معارف کشور در آغاز هر سال تحصیلی، هنگام باز شدن در مکاتب و پخش مواد درسی، دست‌پاچگی و افتضاحی را از خود به نمایش می‌گذارد که جز

**در این میان، بدیهی است آن کسانی که به مدد بی‌سوادی مردم بر گرده‌های آن‌ها سوار شده و به جاه و مقام رسیده‌اند، با رفتن سواد در میان آن‌ها مخالف باشند. حالا حرف بر سر اظهارات فارق اعظم نیست. حرف بر سر این است که راه‌کارهایی که مسئولین معارف کشور برای نابودی بی‌سوادی ارائه می‌کنند، تفاوتی با اظهارات فارق اعظم ندارند.**

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
شش ماهه	۳۰۰۰ افغانی
یک ساله	۵۰۰۰ افغانی

برای متعلمین و محصلین	
شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی
یک ساله	۴۰۰۰ افغانی

zaki.daryabi2@gmail.com  
jawad.najee@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سرمدبیر: جواد ناجی
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۶۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.





لگو مگو ان facebook



Dawood Sarkhosh

پرنده‌ها؛

ترانه‌ی بی است که نمادها بیشتر در آن نمود یافته‌اند. بیان گریز ناگزیرانه‌ی مردمانی است که سرزمین‌های‌شان را از شدت جنگ ترک کرده‌اند و به امید آینده‌ی روشن‌تری تن به تقدیر تلخ مهاجرت داده‌اند. برای همه‌ی ما گریز از زادگاه و پشت‌کردن به زبان مادری و وابسته‌گی‌های عاطفی، درد ویران‌گر و آشنایی است؛ چندان که تصور می‌کنیم در حوصله‌ی بیان و موسیقی نمی‌گنجد. این ترانه، راوی سال‌های سیاهی است که هر انسانی سرنوشت «تیر در تاریکی» را داشته و دنبال پناهی آرام‌تر زمین و زمان را طی کرده تا چند روزی گوش و گوشه‌ی راحتی برای زندگی پیدا کند. سطرهایی از ترانه را بر این نوشته‌ی فشرده می‌افزایم تا فضای تاریک و غم‌انگیز تصویرها و همچنان تجربه‌ی استخوان‌شکن آوارگی بیشتر مصداقیابی و تداعی گردد.

«پرنده‌ها که پریدند  
به هیچ جا نرسیدند  
دانه‌ها که نه چیدند  
چه بی‌هوا که شگفتند  
چه طعنه‌ها که شنیدند  
به چشم سر چه ندیدند!  
پرنده‌های خیالی  
اسیر بی‌پر و بالی  
برای کی، چه بنالی؟»

چه بسیار آوارگانی که زنده و زار خوارک ماهی‌ها و کوسه‌های «مدیترانه» شدند. چه بسا جوانانی رعنا در کوچه‌های «آتن» برای لقمه‌نانی تن‌فروشی کردند. چه دلدادگانی که ناگزیر شدند از هم جدا شوند و عشق‌شان بازیچه‌ی دست قاچاق‌بران انسان شده‌اند. انتظار بی‌پایان انسان پناهنده برای دست‌یافتن به «سند» پذیرش در کشورهای غربی و شکیبایی در برابر رنج‌های «کمپ‌نشینی و چشم‌پوشی از نگاه‌های سنگین و گفته‌های آزاردهنده‌ی شهروندان کشور میزبان، هم همواره داستان دور دسترخوان پناهندگان بوده است.

«درخت‌های تنها

سکوت بی‌سرایا

چه باران‌های بی‌موسم که در تاریکی باریده است این‌جا»  
ترانه‌ی خوش‌ساخت «پرنده‌ها»؛ راوی رنج بی‌پایان آوارگی و کوچ سرسام‌آور مردمی است که برخی برای بار چندم «غربت» را تجربه می‌کنند و برخی که از خانه و خیابان آبایی خطا خورده‌اند. این ترانه را می‌توان «صوری» وار خواند. از این جهت که عنصر «صمیمیت» و «سادگی» در سطر سطر و همچنان در «ملودی» بیشتر برجسته است. هرچند برخورداری از سادگی در ترانه، همیشه و در هر زبانی بر تأثیرگذاری و انگیزش حسی آن سازنده است.

«میان موج رگبار

در این شروع دشوار

سفر از سنگلاخان، از بیابان از خیابان از سپیدار

پرنده‌های هوایی

نه جنگلی که پهایی

نه آسمان راهایی»

متن ترانه را یار قدمی و قلمی‌ام؛ «ابراهیم امینی» نوشته است. کار تنظیم موسیقی را «بردیا خشایاری» و «حسین رستگار»؛ هنرمندان خوش‌ذوق هم‌زبان و یاران سال‌های دور و دیرینه‌ی من انجام داده‌اند.

نوازندگان:

درم: حسین رستگار

باس: بردیا خشایاری

گیتار: لوکار برنهارد

کیبورد: هاینس جیراس

این ترانه را برای تمام آوارگان، به ویژه هم‌وطنان سرگشته‌ام که با دشواری‌های فراوان خود را به «استرالیا» رساندند، پیشکش می‌کنم.

Reza Farzam



از زمان شکل‌گیری جغرافیایی سیاسی به‌نام افغانستان، اقتصاد جنگی بخش جدا ناپذیر از تاریخ سیاسی این جغرافیا را تشکیل می‌دهد (با تفاوت در ماهیت و وسعت‌اش در برهه‌های مختلف تاریخی). به عبارت دیگر، دولتی در افغانستان شکل نگرفته است که اقتصاد آن مبتنی بر تولید و تجارت قانونی استوار بوده و توانسته باشد حداقل به اندازه مخارج‌اش درآمد از منابع داخلی خلق کند. اقتصاد سیاسی راتی و جنگی که ریشه در تاریخ این سرزمین دارد، با سقوط نظام کمونیستی و شروع جنگ‌های داخلی افزایش چشم‌گیر را تجربه کرد. اما اوج اقتصاد جنگی و غیر قانونی در کشور، بر می‌گردد به دوران پس از سقوط طالبان و جریان میلیاردها دالر کمک‌های خارجی. در این مدت بر علاوه این که یک بخش کمک‌ها به گروه‌های تروریستی و جنگ سالاران محلی انتقال یافت، اقتصاد مواد مخدر، فساد گسترده در نهادهای دولتی، زمین و به تازگی معادن، فاکتورهای مهم در تداوم جنگ و منازعه محسوب می‌شوند. به زبان دیگر، اقتصاد جنگی در حال رشد بستری فراگیر برای تداوم خشونت و منازعه خلق کرده و دست یافتن به ثبات پایدار را به چالش مواجه کرده است. مبارزه با اقتصاد جنگی باید بخشی از استراتژی کلان توسعه و ثبات تعریف شود.

## نخستین روز اجلاس گروه ۲۰ و ورود خبرساز بارک اوباما به شهر هانگژو در چین

**اطلاعات روز:** اجلاس سران کشورهای «گروه ۲۰» به روز شنبه با سخنرانی رییس‌جمهور چین، شی جین پینگ آغاز شد.

روز نخست این اجلاس همراه بود با حاشیه‌های خبرساز از جمله ورود بارک اوباما، رییس‌جمهور امریکا به شهر هانگژو و قدم نگذاشتن او بر فرش قرمز.

آقای شی در مراسم افتتاحیه‌ی این اجلاس گفته است که کشورهای عضو که قدرت‌های اصلی اقتصاد جهان هستند، باید برای حفظ رشد اقتصادی همکاری داشته باشند.

روز اول اجلاس بیشتر به دیدارهای دوجانبه میان مقام‌های روسیه، ترکیه، امریکا، بریتانیا، چین و سایر کشورها گذشته است. امنیت منطقه‌ی، بحران سوریه، تغییرات اقلیمی، تجارت جهانی و مهم‌تر از همه سلامت اقتصاد جهان از محورهای بعضی از گفت‌وگوهای دو جانبه است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، اتحادیه اروپا گفته است که لازم است چین صنایع تولید فولاد خود را محدود کند تا از بیکاری فعالان این صنعت در اروپا و سایر نقاط جهان کاسته شود.

چین حدود نیمی از فولاد دنیا را تولید می‌کند. در رتبه بعدی جهان، کشورهای اتحادیه‌ی اروپا ایستاده‌اند.

### دیدار اوباما و اردغان

در روز اول اجلاس گروه ۲۰ بارک اوباما، رییس‌جمهور

ایالات متحده‌ی امریکا و رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه باهم دیدار کردند. آقای اوباما به هم‌پای ترکیه‌یی خود اطمینان داد افرادی که در ماجرای کودتا علیه او مقصر بوده‌اند، محاکمه خواهند شد.

دولت ترکیه فتح‌الله گولن یک رهبر مذهبی این کشور را متهم به دست داشتن در کودتا می‌کند و از امریکا خواسته است او را به ترکیه بازگرداند. آقای گولن این ادعا را به شدت رد می‌کند.

پس از درخواست ترکیه برای بازگرداندن آقای گولن، امریکا از ترکیه خواست ابتدا دست داشتن آقای گولن را در کودتا اثبات کند. آقای گولن در یک تبعید خودخواسته در امریکا زندگی می‌کند.

این آخرین اجلاس سران کشورهای گروه ۲۰ است که بارک اوباما به‌عنوان رییس‌جمهور امریکا و بان کی‌مون به‌عنوان رییس سازمان ملل متحد در آن شرکت می‌کنند. در مقابل اجلاس امسال اولین نشست این گروه است که ترزا می به‌عنوان نخست‌وزیر بریتانیا در آن حضور دارد. او قرار است توضیح بدهد که ترک اتحادیه‌ی اروپا چه تبعاتی به دنبال خواهد داشت.

### فرود خبرساز اوباما

ورود بارک اوباما به شهری که در آن اجلاس سران گروه ۲۰ برگزار شده است، با مشکلاتی همراه بود که باعث انتقاد رسانه‌های امریکایی شد.

به گزارش بی‌بی‌سی، به جای این‌که رییس‌جمهور

امریکا به طور معمول و مانند سایر سران کشورها از در جلوی هواپیما و فرش قرمز روی پله‌ها خارج شود، از در میانی هواپیما که پله‌های باریک دارد، خارج شد.

اما تنش میان نمایندگان چین و امریکا به این موضوع خلاصه نشد. دسترسی محدود خبرنگاران و ماموران اطلاعاتی امریکا به سالن اجلاس هم باعث بحث‌هایی در حاشیه‌ی اجلاس گروه ۲۰ شد. آقای اوباما از محدودشدن خبرنگاران انتقاد کرد.

بعد از این درگیری لفظی و دلخوری مقام‌های تشریفات دو طرف، آقای اوباما از خبرنگاران خواست که این اتفاق را برجسته نکنند. او به کنایه گفت که «سایز پای امریکا» گاهی برای میزبان‌ها مشکل ایجاد می‌کند.

بعضی رسانه‌های امریکا مقام‌های تشریفات چین را متهم کرده‌اند که به عمد باعث تغییر پله‌های ورود بارک اوباما شدند یک مقام وزارت خارجه‌ی چین به یکی از روزنامه‌های محلی گفته است که ماموران امریکا به دلایل امنیتی از پله‌های اصلی هواپیما که فرش قرمز روی آن پهن شده بود، استفاده نکردند.

گروه بیست متشکل از کشورهای بزرگ اقتصادی است که با هدف حمایت از ثبات اقتصادی در جهان از سال ۱۹۹۹ گرد هم آمده‌اند. استرالیا، کانادا، عربستان سعودی، امریکا، هند، روسیه، آفریقای جنوبی، ترکیه، آرژانتین، برزیل، مکزیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، بریتانیا، چین، اندونزی، جاپان و کره جنوبی از اعضای این گروه هستند.

## وزیر امور کودکان و خانواده‌ی ایالت دهلی هند به اتهام تجاوز بازداشت شد

درباره‌ی سندپ کومار دریافت کرده و بلافاصله او را برکنار کرده است. آقای کجریوال نوشته بود برای حزب او نزاکت عمومی جدی است و در این‌باره هیچ اغماضی نخواهد کرد.

گفته می‌شود که هند دارای یکی از بالاترین آمار تجاوز جنسی در جهان است و به همین دلیل اتهامات مرتبط با تجاوز در این کشور حساسیت برانگیز است.

اتفاق افتاده و ویدیو بدون اطلاع و موافقت او ضبط شده است. این زن حالا آقای کومار را به تجاوز متهم کرده است. اما آقای کومار بار د این اتهامات می‌گوید که این ویدیو دستکاری شده است.

این وزیر ایالتی سابق عضو حزب عام آدمی (مردم معمولی)، حزب حاکم ایالت دهلی در هند است. این حزب تعهد داده است که به فساد اداری پایان بدهد. آرویند کجریوال، سروریزر ایالت دهلی، سه روز پیش در توییتر خود اعلام کرد که یک سی دی «مورد دار»

**اطلاعات روز:** سندپ کومار، وزیر امور کودکان و خانواده‌ی ایالت دهلی، سه روز پیش پس از انتشار ویدیویی، به اتهام تجاوز دستگیر شد.

آقای کومار از پس انتشار ویدیویی که رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج او با یک زن را نشان می‌داد، از کار اخراج شد و براساس گزارش‌ها به روز یک‌شنبه، ۴ سپتامبر، به اتهام تجاوز بازداشت شد.

به نقل از بی‌بی‌سی، زنی که در ویدیو دیده می‌شود می‌گوید که رابطه‌ی جنسی آن‌ها یک سال پیش

## صدها کودک مهاجر بدون سرپرست پس از ورود به انگلیس مفقود شده‌اند

دیگر اشکال بهره‌کشی از قبیل سوءاستفاده جنسی یا برده‌داری جدید، شده باشند. در این گزارش آمده است که این ارقام یک سال پس از مرگ «آیلان گردی»، پسرپنجه ۳ ساله سوری که در دریای مدیترانه غرق و به دنبال آن کارزار تبلیغاتی از سوی ایندپیندنت در حمایت از کودکان آواره بدون سرپرست به راه افتاد، منتشر می‌شود.

ایندپیندنت نوشته: به‌رحال در اوایل سال جاری میلادی فاش شد که در سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۶ میلادی به رغم وعده‌های دولت انگلیس، به کم‌تر از ۲۰ کودک بدون سرپرست پناهندگی داده شده است. سخن‌گویی دولت انگلیس در واکنش به این انتقادات گفته است کودکان آسیب‌پذیر بایستی تحت مراقبت باشند و سازمان‌هایی که دارای همکاری نزدیک با مقامات محلی هستند به همراه پولیس محلی برای پیدا کردن کودکان مفقودشده اقدام می‌کنند.

و آزار و اذیت در کشورهای زادگاه‌شان فرار کرده‌اند. طی این دوره، ۳۶۰ کودک مفقود شده‌اند و هنوز اطلاعی از آن‌ها در دست نیست.

به نوشته‌ی ایندپیندنت، از این تعداد، ۸۱ کودک به مدت پنج سال، ۷۷ کودک به مدت ۴ سال و ۸۷ کودک به مدت ۳ سال مفقود شده‌اند و هنوز اطلاعی از آن‌ها به دست نیامده است.

ایندپیندنت اضافه کرده است: «کارزارهای اجتماعی و شماری از نمایندگان مجلس عوام انگلیس می‌گویند، ارقامی که وزارت داخله طبق قانون انتشار آزاد اطلاعات در اختیار این نشریه قرار داده، نشان‌دهنده قصور دولت «ترزا می»، در قبال این کودکان است و آن‌ها مورد بی‌توجهی نظامی قرار گرفته‌اند که هدف از آن تامین امنیت آن‌ها بود.»

این نشریه افزوده است: این نگرانی وجود دارد که این کودکان مفقود شده قربانی قاچاقچیان انسان یا

**اطلاعات روز:** نشریه‌ی انگلیسی ایندپیندنت به روز یک‌شنبه گزارشی را منتشر کرده است که نشان می‌دهد صدها کودک مهاجر بدون سرپرست، پس از ورود به خاک انگلیس به دلیل کوتاهی دولت این کشور، مفقود شده‌اند.

در این گزارش آمده است که فعالان مدنی نگران هستند که این کودکان مهاجر مفقود شده، در دام قاچاقچیان انسان در انگلیس گرفتار و مورد انواع سوءاستفاده‌ها قرار گرفته باشند. این نشریه نوشته است: «براساس آمار منتشر شده توسط وزارت داخله انگلیس، در طی ۵ سال گذشته (همزمان با دورانی که ترزا می در کابینه دولت دیوید کامرون وزیر داخله بود) ۹ هزار و ۲۸۷ کودک بدون سرپرست مهاجر، بدون هیچ‌یک از والدین شان یا قیم، وارد انگلیس شده‌اند.»

به نقل از ایرنا، بسیاری از این کودکان از جنگ، فقر

## مادر ترزا از سوی رهبر کاتولیک‌های جهان «قدیس» اعلام شد

معجزه داشته است.

سال گذشته بود که کلیسای کاتولیک اعلام کرد با تایید پاپ فرانچسکو، این لقب به مادر ترزا داده می‌شود. در آن زمان پاپ با تایید دومین معجزه‌یی که به مادر ترزا نسبت داده شده بود را تایید و راه را برای قدیس شدن مادر ترزا هموار کرد.

به نقل از یورو نیوز، پاپ ژان پل دوم در سال ۲۰۰۳ میلادی یعنی شش سال پس از مرگ مادر ترزا، اولین معجزه‌یی را که به او نسبت داده شده بود، تایید کرد. به این ترتیب روند قدیس شدن مادر ترزا آغاز شد.

جایزه‌ی نوبل شد و در سال ۱۹۹۷ در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او نهاد «میسونرهای خیریه» را در سال ۱۹۵۰ تاسیس کرد؛ انجمنی که بیش از سه هزار راهبه در سراسر جهان در آن عضویت دارند. او نوانخانه، مدرسه و درمانگاه تاسیس کرد، جزایمی‌ها را اسکان داد، برای بچه‌های یتیم سرپناه ساخت و به زاغه‌نشینان کلکته کمک‌های فراوانی کرد.

روند قدیس شدن در کلیسای کاتولیک روند پیچیده و معمولاً طولانی دارد که یکی از شرایط آن اثبات این مسأله که فرد مورد نظر دست‌کم دو

**اطلاعات روز:** پاپ فرانچسکو، رهبر کاتولیک‌های جهان در مراسمی با حضور ده‌ها هزار نفر از پیروان مذهب کاتولیک در واتیکان به روز یک‌شنبه، لقب قدیس را به مادر ترزا داد.

اگنس گونجا بویاجیو، معروف به مادر ترزا درسال ۱۹۱۰ میلادی در خانواده‌ی آلبانیایی تبار به دنیا آمد و از سن ۲۸ سالگی برای انجام امور خیریه به شهر کلکته‌ی هند رفت. او پس از مدتی به پرستاری روی آورد و با زندگی در میان مردم فقیر تلاش کرد به آن‌ها کمک کند.

مادر ترزا، راهبه‌یی است که در سال ۱۹۷۹ برنده‌ی



## آنچلوتی: به دنبال فتح لیگ قهرمانان هستیم

بعد از سه فصل ناکامی متوالی با گواردیولا برای رسیدن به فینال، باینرینو ها امیدوار هستند این فصل بتوانند با آنچلوتی فینالیست شوند.

کارلتو گفت: هدف اصلی ما در فصل جاری، فتح لیگ قهرمانان است. آن‌ها در سال‌های اخیر به خاطر جزئیاتی کوچک قهرمانی را از دست داده‌اند و ما به دنبال راهی برای برطرف کردن آن هستیم.

باینرینو فصل گذشته در مرحله نیمه نهایی مغلوب اتلتیکو شد و نتوانست راهی فینال شود.

آنچلوتی در این خصوص گفت: من انتظار دارم تا در دیدار برابر این تیم به پیروزی برسیم. من در رئال مادرید و چلسی نیز نتوانستم بر آن‌ها غلبه کنم و امسال می‌خواهم بالاخره این اتفاق رخ دهد. بازیکنان ما همین حالا نیز از کیفیت اتلتیکو آگاه هستند زیرا فصل قبل به دست آن‌ها حذف شده‌اند و ما هرگز این موضوع را فراموش نکرده‌ایم.

## در بی مادرید؛ بلیت‌های ویسنته کالدرون تمام شد

به نظر می‌رسد هواداران اتلتیکو مادرید از حالا خود را برای ساختن فضایی دشوار برای رئال مادرید در دربی رفت آماده کرده‌اند.

در حالی که این دربی در تاریخ ۲۰ نوامبر ( ۲۹ عقرب ) برگزار خواهد شد، از حالا تنها کم‌تر از ۱۰۰۰ بلیت برای فروش باقی مانده و تمامی صندلی‌ها پیش‌خرید شده است.

این دربی، آخرین جدال دو تیم در ورزشگاه ویسنته کالدرون خواهد بود و از فصل بعد، بازی‌های خانگی اتلتیکو به ورزشگاه جدید آن‌ها منتقل خواهد شد.

این بلیت‌ها که از قیمت ۶۵ یورو شروع می‌شوند و تا به ۷۰۰ یورو هم می‌رسد، در کم‌تر از یک ساعت فروش رفته است. البته با توجه به حساسیت این بازی و عدم برگزاری دربی دیگری در این استادیوم در لالیگا، پرداخت چنین مبلغی از هواداران متعصب اتلتیکو عجیب نیست.

## ماتیوس: رونی با مورینیو پیشرفت خواهد کرد

لوتار ماتیوس، اسطوره فوتبال آلمان به تمجید از عملکرد رونی پرداخت و اذعان داشت که کیفیت او زیر نظر مورینیو افزایش پیدا خواهد کرد.

علی‌رغم حضور آلدایس روی نیمکت سه شیرها، همچنان رونی به عنوان کاپیتان در تریب تیم حضور خواهد یافت. ماتیوس گفت: رونی زیر نظر مورینیو پیشرفت خواهد کرد و من معتقدم که آلدایس با ادامه روند کاپیتانی وین رونی، تصمیم درستی را اتخاذ کرده است. زمانی که مورینیو و رونی در مورد فوتبال صحبت کنند، رونی به خوبی حرف‌های مربی خود را درک خواهد کرد. مورینیو به خوبی راه برخورد با بازیکنان بزرگ را می‌داند. رونی باید در پست شماره ۱۰ بازی کند و نباید خیلی از دروازه دور باشد. او از دوران جوانی در این منطقه بازی کرده و هنوز هم می‌تواند بدرخشد و گول‌های زیادی به ثمر برساند. کیفیت بازی او بسیار بالاست و تجربه او برای تیم جوان انگلیس بسیار ضروری است. مورینیو از او به عنوان رهبر تیمش استفاده می‌کند و آلدایس نیز باید همین رویه را ادامه بدهد.

## ژیرو: سعی کردم سیسوکو را به آرسنال بیاورم

سیسوکو در روز پایانی نقل و انتقالات از نیوکاسل جدا شد و به تاتنهام پیوست. ژيرو و سیسوکو در اردوی تیم ملی فرانسه در کنار یکدیگر حضور داشتند و حال ژيرو مدعی شد که تلاش زیادی کرده هم‌وطنش را راهی آرسنال کند.

او گفت: به سیسوکو گفتم که آرسنال را اولویت خود قرار بده. تا روز آخر نمی‌دانستم چه کار خواهد کرد. برایش خوب شد. فکر می‌کنم یک ماه طولانی را پشت سر گذاشت. خیلی خوب است که اتفاقی رخ داد حتی در لحظات پایانی. تاتنهام تیم بزرگی در لیگ ماست. البته که ما پس از عملکرد خویشتن در یورو می‌خواستیم در یک تیم لیگ برتری بماند. در لیگ برتر تاتنهام حریف ما برای کسب جام است. امیدوارم مقابل ما شرایط خوبی نداشته باشد.



## گریزمان: با جدایی سیمئونه، من هم از اتلتیکو می‌روم

آنتوان گریزمان، مهاجم فرانسوی اتلتیکو مادرید تاکید کرد که در صورت جدایی دیگو سیمئونه از این تیم، او هم ویسنته کالدرون را ترک خواهد کرد.

گریزمان در تابستان به شدت مورد توجه پاری سن ژرمن قرار داشت اما به پیشنهاد گراف این تیم متمول پاسخ منفی داد. با توجه به ابراز علاقه چند روز قبل گریزمان به بازی در لیگ برتر، بسیاری از کارشناسان او را هدف اول مورینیو در تابستان سال آینده می‌دانند.

گریزمان گفت: تنها دلیلی که می‌تواند باعث جدایی من شود، رفتن دیگو سیمئونه از این تیم است. هنوز چیزهای زیادی هستند که من قصد دارم از او یاد بگیرم.

قبل از تمدید قرارداد، با او تماس گرفتم و ال چولو به من تاکید کرد که می‌خواهد در اسپانیا به کار مربی‌گری ادامه دهد. در حال حاضر، رفتن به پی اس جی هدف من نیست و از حضور در اتلتیکو مادرید راضی هستم. از این‌که در بین هواداران محبوب هستم احساس غرور می‌کنم. سعی می‌کنم همیشه لبخند به لبانم باشد و بهترین عملکرد خود را ارائه دهم.

## ماتوئیدی: می‌خواستم به یوونتوس بروم

بلیز ماتوئیدی، هافبک ملی پویش باشگاه پاری سن ژرمن فاش ساخت که در فصل نقل و انتقالات قصد جدایی از این تیم را داشت.

ماتوئیدی تا روزهای پایانی نقل و انتقالات یکی از گزینه‌های جدی پیوستن به یوونتوس بود اما در نهایت این اتفاق نیفتاد و او برای ام‌ری توانست این بازیکن ارزشمند را در پاریس حفظ کند.

ماتوئیدی قرار بود جایگزین پوگبا در یووه شود. ماتوئیدی در مورد اخبار مربوط به پیوستنش به یوونتوس به تله فوت گفت: بله، از یوونتوس یک پیشنهاد واقعی داشتم و می‌خواستم به این تیم بروم اما باشگاه مخالفت کرد و من هم پذیرفتم که در PSG بمانم.

مقطع دشواری بود چون خواسته‌ی داشتم که محقق نشد. باید بگویم که سواي همه اتفاقات اخیر، من از حضور در پاری سن ژرمن خوشحالم. مربی جدیدی به تیم ما آمده و می‌دانم که به من اعتماد دارد.

## اوزیل: قطعاً شماره ۱۰ ویلشر را به تن می‌کنم

مسوت اوزیل، هافبک آرسنال مدعی شد که قطعاً شماره ۱۰ جک ویلشر را برای فصل جاری به تن خواهد کرد.

اوزیل از زمان حضورش در آرسنال شماره ۱۱ را به تن کرده و این در حالی بود که در رئال مادرید شماره ۱۰ را به تن می‌کرد. با جدایی ویلشر به صورت قرضی به مقصد بورنموث، شماره ۱۰ آرسنال خالی شده و حال اوزیل مدعی شد که قطعاً آن را به تن خواهد کرد. او گفت: برای من این شماره ارزش زیادی دارد. شماره محبوب من است. بزرگان فوتبال نظیر زیدان، مارادونا و پله این شماره را به تن کرده‌اند. از این موضوع خیلی خوشحالم. خیلی دوست داشتم این شماره را در تیم ملی داشته باشم ولی لوکاس پودولسکی هم می‌خواست و او بازی ملی بیشتری نسبت به من دارد. حالا به آن دسترسی دارم. البته قبلاً در این مورد با من صحبت شده بود. این شماره مناسب من و پست من به عنوان بازی‌ساز است. حالا این شماره خالی شده و قطعاً آن را می‌خواهم. اوزیل درباره تفکرات مربیان گفت: هر کسی انتظاری ویژه دارد. انتظارات هواداران در عموم از من بسیار بالاست. بعضی سبک بازی من را دوست دارند و بعضی نه. همیشه این‌طور بوده است. به عنوان بازیکن تشنه چنین چیزی هستم زیرا دوست دارم بازیکنان را در موقعیت‌های خوب قرار بدهم. ولی وقتی گول زده‌ام و تویی به سمت دروازه زنم، مردم نا امید می‌شوند. گاهی فکر می‌کنم آن‌ها متوجه نمی‌شوند که من چه قدر می‌دوم و چقدر پاس می‌دهم. مربیان عملکرد من را کامل می‌بینند و طبق آن قضاوت می‌کنند.

## مبلغ تمدید قرارداد گرت بیل با رئال فاش شد

این‌که فوق ستاره ولزی نیز با این مساله موافق است.

در حالی که گفته می‌شد منچستر یونایتد قصد دارد بیل را از تمدید با رئال منصرف کند اما ساندی اکسپرس دیروز فاش ساخت که بیل قصد بازگشت به لیگ برتر را ندارد و بر اساس قرارداد جدید، سالانه ۲۰ میلیون یورو از رئال دریافت خواهد کرد به عبارتی حقوق هفتگی او ۴۱۷ هزار یورو خواهد بود. قرارداد او نیز تا ۲۰۲۲ تمدید خواهد شد.

## داوید لوئیز: به فوتبال فرانسه بی‌احترامی نکردم

داوید لوئیز، مدافع چلسی، اعلام کرد اظهار نظر منفی‌ای که در مورد لیگ فرانسه از قول او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، واقعیت ندارد.

این مدافع برزیلی که در سال ۲۰۱۴ از چلسی به پاری سن ژرمن رفته بود، در آخرین روزهای بازار نقل و انتقالات با انتقالی ۳۵ میلیون پوندی به استفوردبریج برگشت.

پس از آن بود که در بعضی شبکه‌های اجتماعی اظهار نظری منسوب به او منتشر شد که گفته بود: دو سال وقتم را در لیگ فرانسه هدر دادم. بازی کردن در آن‌جا مانند بازی کردن پلی استیشن با یک مبتدی بود. اما او در ارسال پیامی در صفحه توئیترش، این موضوع را تکذیب کرد.

او نوشت: هواداران عزیز! یک شفاف‌سازی! آگاه باشید! اظهار نظری که از جانب من در بعضی شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، درست نیست؛ پست‌هایی که شامل عبارات غیرمحترمانه در مورد لیگ فرانسه است. من هرگز چنین صحبتی انجام ندادم و هرگز در مصاحبه چنین صحبت‌هایی نمی‌کنم.

من احترام زیادی برای فوتبال فرانسه، همه تیم‌ها، بازیکنان و هواداران آن قائل هستم. من مخالفتی با آزادی بیان ندارم و ارزش انتشار درست را می‌دانم. اما بدانید که پست‌های این صفحات حقیقت ندارد. از همه متشکرم.

## انتقاد تند مدیر برنامه‌های یحیی توره از گواردیولا

توره که در بارسلونا با گواردیولا به مشکل خورده بود، در ۳ بازی اول تیمش در لیگ برتر در این فصل نیز به میدان نرفت و نامش از فهرست چمپیونزلیگ باشگاه نیز خط خورد. با جدایی جو هارت، باشگاه به خاطر عدم وجود ۸ بازیکن که در تیم‌های پایه‌اش بازی کرده باشند، فهرست را ۲۵ نفره اعلام کند و در فهرست ۲۱ نفره اعلام شده، جای توره خالی است. حال دیمیتری سلوک به انتقاد تندی از گواردیولا در این رابطه پرداخت.

او گفت: اگر او با سیتی قهرمان چمپیونزلیگ شود، من به انگلیس می‌آیم و در مقابل تلویزیون‌ها می‌گویم که گواردیولا بهترین مربی جهان است. ولی اگر او قهرمان چمپیونزلیگ نشد، امیدوارم آن قدر جرات داشته باشد که بگوید تحقیر بازیکن بزرگی مثل یحیی توره اشتباه بوده است. این تصمیم پپ است و باید به آن احترام گذاشت. یحیی یک بازیکن حرفه‌ی است و آن‌چه از او خواسته شده را اجرا می‌کند. احتمالاً پپ فکر می‌کند یحیی در سطح بازی کردن در ده دقیقه پایانی دیدارهای جام اتحادیه مقابل تیم‌های دسته سومی است. ولی چیزی که قطعیت دارد این است که یحیی فصل را در سیتی سپری خواهد کرد. او در جنوری باشگاه را ترک نمی‌کند. امیدوار است فرصت ثابت کردن خود را پیدا کند.

## شکایت بارسلونا

### از انتقال گابی گول به اینتر

باشگاه بارسلونا از سانتوس برزیل به دلیل انتقال گابریل باربوسا ملقب به گابی گول به اینتر شکایت کرده است. به ادعای گلویو اسپورت، بارسلونا از این اقدام به فیفا شکایت کرده چرا که سانتوس بر خلاف تعهداتی که به بارسلونا داشته، اقدام به فروش گابی گول به اینتر کرده است.

سال ۲۰۱۳ و در جریان انتقال نیمار از سانتوس به بارسلونا، باشگاه کاتالانی ۲۹ میلیون یورو به سانتوس پرداخت کرد تا در مورد انتقال سه بازیکن این تیم به نام‌های جیوا، گابریل باربوسا و آندراده حق اظهار نظر داشته باشد و این‌که در صورت تمایل سانتوس به فروش این بازیکنان، بارسلونا در اولویت باشد. طبق این توافق، سانتوس اگر قصد فروش این سه بازیکن به باشگاهی دیگر را داشته باشد، ابتدا باید نظر بارسلونا را جویا شده و این تیم سه روز برای پاسخ‌گویی مهلت خواهد داشت. روز ۲۹ اگست بود که نامه سانتوس مبنی بر انتقال گابی گول به اینتر به باشگاه بارسلونا رسید اما فردای آن روز و در حالی که هنوز پاسخ باشگاه اسپانیایی به سانتوس ارسال نشده بود، خبر رسید که گابی گول رسماً به اینتر پیوسته است. به همین دلیل بارسلونا از سانتوس به فیفا شکایت کرده است و باید دید چه عواقبی در انتظار باشگاه برزیلی خواهد بود. مدیر سانتوس ادعا کرده است که تمام توافقات و تعهدات در این زمینه را اجرا کرده است.





دوشنبه | ۱۵ سنبله، ۱۳۹۵ | سال پنجم | شماره ۱۱۴۲

Monday | 05 September 2016 | Year 05 | Vol 1142

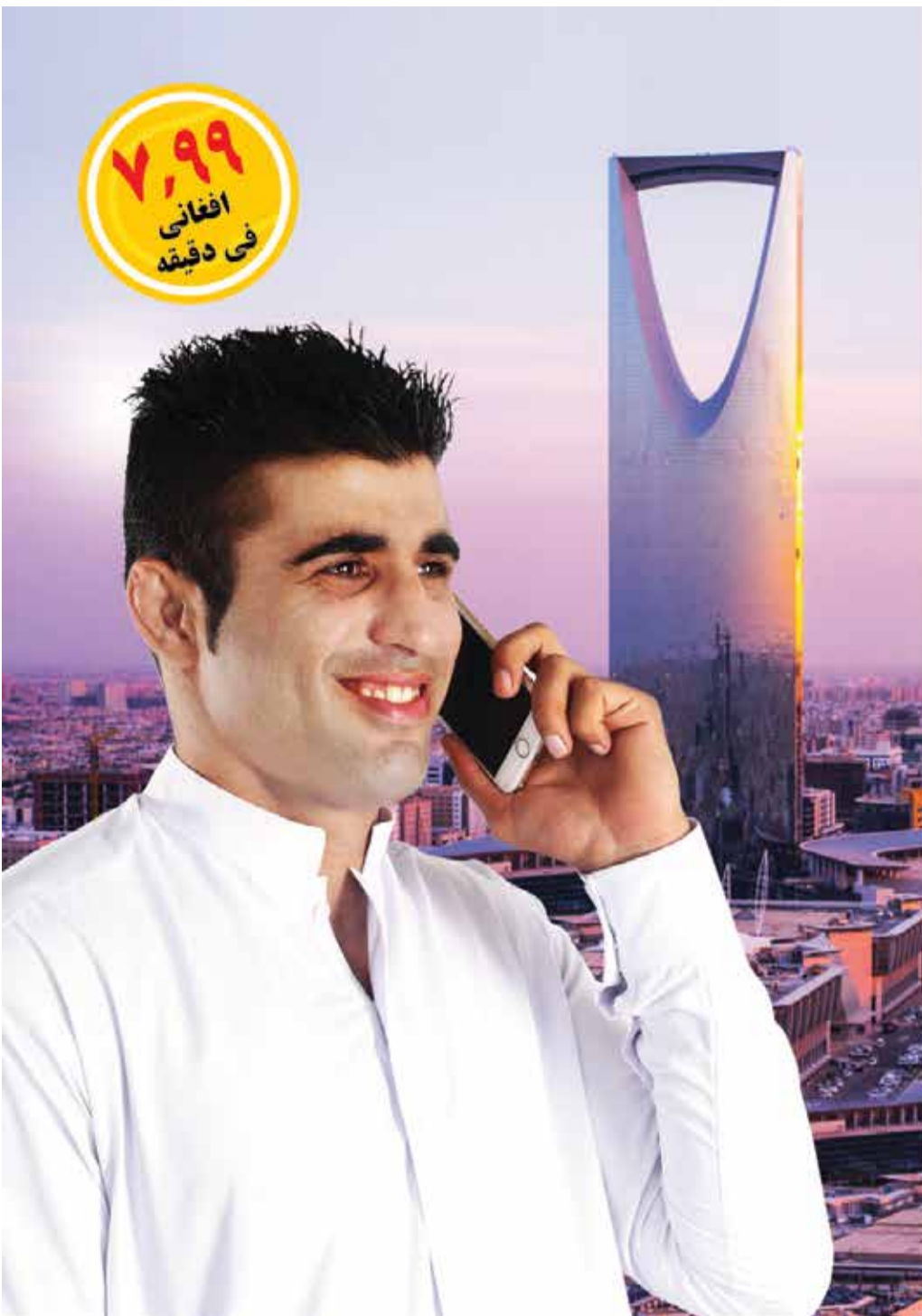
www.etilaatroz.com

www.facebook.com/dailyetilaatroz/

google.com/+DailyEtilaatRoz

twitter.com/dailyetilaatroz

telegram.me/etilaatroz



۷,۹۹  
افغانی  
فی دقیقه

## نرخ جدید ۷,۹۹ افغانی فی دقیقه به عربستان سعودی

حالا با ام تی ان شما میتوانید هر وقت بدون کدام فیس اضافی و یا کدام قید و شرط در جریان فصل حج به عربستان سعودی فی دقیقه صرف در بدل ۷,۹۹ افغانی تماس بگیرید.

برای استفاده از این پیشکش، یک پیام کتبی خالی را به شماره ۳۰۳ ارسال نموده و یا #۳۰۳ را دایل نمایید.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید.  
لینک و راجستر میمکارت حتمی میباشد.  
www.mtn.com.af MTN Afghanistan @MTNAF  
LinkedIn MTN Afghanistan MTNAF

با شما در همه جا

داریانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

آریانا با یک دنیا افتخار، صداقت و خدمت گذاری صمیمانه  
همگام با شما در ثواب حج شریک خواهد بود.  
ما میزبان صمیمی و دلسوز شما همچنان می باشیم

Facebook.com/flyariana  
ariana.afghan.ariana  
twitter.com/flyARIANAafghan  
youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333  
+93(0)700071333  
+93(0)790071333  
+93(0)786071333  
www.flyariana.com  
info@flyariana.com



## اطلاعیه آرین بانک

بموجب قرار قضایی نمبر (۲۶۲) مورخ ۱۳۹۴/۶/۳۱ ریاست محترم محکمه ابتدائیه تجارتي ولایت کابل و محضر مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱ هیئت تطبیق حکم نمبر فوق، مبنی بر فروش ساحه تجارتي به مساحت ۷۸۴ متر مربع مندرج قباله بیع قطعی نمبر (۷۱۰ بر ۴۱۱) مورخ ۱۳۵۷/۲/۵ مرتبه محکمه شهري ولایت کابل، ملکیت محترم عبدالله پشتونیار فرزند محمد هاشم واقع چهاررائی حاجی یعقوب ناحیه چهارم شهر کابل قرارداد که طی وثیقه بیع جایزی نمبر ۷۱۳/۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۸/۴ مرتبه آمریت ثبت اسناد و وثایق ولایت کابل که تحت تضمین قرضه شرکت عبدالله پشتونیار در آرین بانک قرار گرفته بود ملکیت متذکره در مجلس مزایده بالای آقای محمد حامد ولد عبدالرحیم به مبلغ ۲۱,۷۱۶,۸۰۰ افغانی بفروش رسانیده شد.

اشخاص و موسسات که خواهان مزایده نهایی را دارند از تاریخ نشر اعلان به مدت ۱۵ یوم درخواستی های خود را به دفتر مرکزی آرین بانک واقع شهرنو سرک مسجد حنظله (رح) مقابل دروازه غربی لوی څارنوالي سپرده، شرطنامه را ملاحظه کرده میتوانند تضمین نقداً اخذ میگردد. و همچنان از مالک جایداد خواهش میگردد در روز مزایده حاضر باشد و در غیر آن حق شکایت را ندارد.

شماره های تماس: 0786 38 9187 020 22 03 996